

که بدولت خدمت بزرگی کرده است وجودش مفتم است، البته خیلی مواظبتش بکنید. بعد از تشریف فرمائی شاه من سرافتخار بعیوق می سودم و بر اقبال خود میبایدم بی جا، من، غافل از اینکه بایم درجه مذلت بر گل افتاده و ضمناً توب کوچکی که بنده اختراع کرده بود بقورخانه فرستاده از سردار قبض گرفته اند که مثل همان نمونه یک توب بزرگ من اندازه بدم و بسازند، باری آقا بالا خان سردار که رئیس قورخانه و ذخیره بود تمام استادان و صاحبمنصبان قورخانه را جمع نموده گفت: آقایان این شخص این توب را اختراع نموده ب شاه داده و شاه فرستاده است که در قورخانه مبارکه بی کم و زیاد مثل همین توب بسازیم، شما ها که استاد کامل هستید نیک نظر بکنید و دقت نماید اگر خوب است قبول بکنیم اگر چیز باطل است بشاه عرض بدهیم که هر چه این توب بخارج بگذاریم بهتر می رود - همه صاحبمنصبان و استادان با دقت تمام نگاه کرده و غور نموده جواب دادند که تا امروز چنین توبی اختراع نشده، بعد قبول کرده به بنده سند دادند که من اندازه بدم من همان نمونه را بسازند، چنانکه سند ایشان حاضر است، و قبولی ایشان شاهد، تا اینجا مقدمه بود اگر چه برقارین اسباب تصدیق است ولی باید هموطنان محترم بدانند که بر سر مخترع چه بلاها وارد نموده اند (مسلمان نشود کافر نبیند)

اولاً باید دانست که در طهران دو کارخانه هست که ماشین آهن تراشی و غیره در آن دو کارخانه موجود است، یکی را کارخانه فشنگ سازی میگویند، دیگر را کارخانه ام الاسباب می نامند رئیس کارخانه ام الاسباب (غلام حسین خان) رئیس کارخانه فشنگ سازی (میرزا عبدالحمید خان) اگر چه این دو نفر لایق همه گونه حرف های ناگوار اند، ولی بنده در اینجا طریق ادب را با شما میبندم و آنها را بسبب منتقم حقیقی حواله میدهم، چونکه بنام بنده با (غلام حسین خان) کار بکنم شخصی آمده آهسته بمن گفت فلانی شنیدم با (غلام حسین خان) کار میکنی؟ گفتم بلی، گفت الحق مادرت در سر دعا بود که با این شخص راست آمدی، برو یک چیزی در راه خدا بده که با (میرزا عبدالحمید خان) دست بهم ندادی که تأییدات خلاصی نداشتی فردای امروز دیگری

آمد گفت شنیدم با (غلام حسین خان) کار میکنی؟ گفتم بلی گفت هیات بهوش باش که نازه بدروازه قلعه بابل رسیده آید، از این ساحران تردستان دامن بچین گفتم مگر ایسان مسلمان نیستند، و یا شرف خود را نمی شناسند؟ گفت اولاً مادر ایشان سهواً اسم مسلمان بر ایشان گذاشته است، ثانیاً هر شب که بودند آن را شرف می شاربند، هر شب که با خند آنرا بدینحقی میدانند حال من بشا گفتم بخدا قسم غیر زاین نیست، در آخر کار خواهد دید (من آنچه شرط بلاغ است با تو میگویم تو خواه ... خدا حافظ)

بنده حیران ماندم نفهمیدم راه کدام است و چه کدام، خیال کردم که از این معامله برگردم، بار گفتم هم وطنان محترم میگویند مخترع از عهده اختراع خود بر نیامد باید تا جن دارم در سر خدمت وطن بگویم (مخترع توب مسلمان شد جعفر) باقی مطالب را بموقع خود عرض خواهم نمود

ادفع بالتی هی احسن

در حق معاهده دولین روس و انگلیس شرحی که روزنامه مقدسه جبل المین در نمره ۱۸ انتشار داده و ناله های جانسوزی که حضرت موبدالاسلام نموده در نهایت کفایت است، و افکار و اقلام را نمیرسد که در شرح مقاصد ایسان در تقسیم جغرافیائی ایران به شمالی و جنوبی و امپراطوری سخن سرانی نمایند، فقط در راه نجات ملت و مملکت از این واقعه ناگمانی آنچه دانند مستور ندارند، و این قلم ناچیز هم بر حسب وظیفه خود فکر قاصر خود را بعرض میرساند

در اینجا موقع خطرناک طبقات ملت و دولت هر کدام را وظیفه جداگانه است که باید به ملاحظه و مرامات آن وظیفه در حرکت باشند، و ما به اشاره اجالی قناعت نموده و تفصیل را به ادراک صاحبان وجدان سپاریم حوالت خواهیم کرد، و قبل از شروع به مقصود از حرص مقدمه ناچاریم وان اینست، که بمقاد آیه کریمه (ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها و جعلوا اعزاه اهلها اذلة)

نتیجه این تقسیم باید اعزاه مملکت خواهد بود و در درجه نانی شامل حال تمام افراد رعیت بوده و

پادی محور نابود شدن ایران و اسلام خواهد بود ، زیرا که رفاة حال رعیت و بقای اسم ایران و رسم اسلام بست به حمایت اعزة مملکت است ، در صورتیکه اعزة خلیل و خوار شدند بالتبع رعیت هم ذلیل تر و خوار تر خواهد بود ، و در اینصورت بالضرورة اسم ایران و رسم ایمن محور و نابود خواهد گشت ،

تاریخ اندلس و ما دناقتار و غیره مقدمات و نتیجه این امر را بر ما نموده اند و اعزة مملکت ایران عبارت است از دولت و اعیان دولت و حجج اسلام و سادات ذوی العز و الاحترام و اربابان املاک که این طبقات بواسطه همت شخصی و حسبی و سبی و علمی و مالی در میان افراد ملت امتیازات مخصوصه دارند ، و در کمال احترام زندگانی میکنند ، و مضای دایلی شدن ایشان آنست که امتیازات خاصه و احترامات لایقه را از ایشان سلب خواهند نمود ، و ایشان را در جمیع امور و احکام با سایر افراد مساوی خواهند دید ، چنانکه در مملکت هند و قفقازیه این امر مشهور است که سلاطین حیره خوار و اعیان خانه نشین و عاهه معقودالاسان و سادات غیر محترم و ارباب مقصوب الاملاک - اسلام معطل الاحکام مساجد مخروبه ، مدارس معدومه علم دیانت ممنوع و شعار اسلام مرفوع ، تمام مسالمن از مأموریت در دوائر دوائی محروم ، سلطان به حرکت اختیاری غیر مقتدر ، و بیخ فراهل اسلام از يك مجلس نشستن بدون حضور پولیس ممنوع و حجة لاسلام در محکمه پولیس با يك لوطی در سر با ایستادن و استعطاق دادن و منتظر احکام بودن مساوی ، و بدون اجازه محکمه اجراً ، صیفة نکاح دختر خود غیر مجاز ، و سادات محترم با یهودی بمهورالنسب موازن ، تعطیل روز جمعه موجب جزای بقدی و تعطیل روز یکشنبه واجب ، نمویق ختنه اطفال تا وقت بلوغ مقرر ، و نماز جمعه متروک ، و جماعات فریضه منسی ، و در مساجد جهة دخول کفار مفتوح و جنایز مسالمن در نحت نظارت طیب بدیه خوار و زبون ، دختران و زنان اسلام در هر کار مختار ،

از پای تا سر تومه جای گریه است
دل جمله حیرت است که گریه کدام را
بس ای اعزة مملکت وای افراد ملت ، از خواب

خفت بیدار شوید و مرقومه مقالات و جراید را حکایت حسین کرده بیدارید کار امروز را به فردا نگذارید ، (علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد حالا که آزادید و کار کردن مبتوانید آسوده نه نشینید و خود را چند روزی بزمجت وا دارید

امشب ای یاران که آزادید فریادی کنید
کس نمیداند که چون فردا شود دوران نیست
دور هم جمع شوید و انجمنها سازید و مجالس و محافل ترتیب دهید ، و این مسئله را گوش زد خاص و عام نمایید ، و از واقعه پادشاه اسلام در مغرب زمین و ملت مغاربه عبرت بگیریید ، واقعه و ناهقه آنچه در حق دولت و وطن شما مظنون است و قریب الوقوع است اشد و اعظم است از واقعه ، مغاربه که الآن واقعت ، جنگ خانگی را موقوف کنید و اختلاف را به اتفاق مبدل گردانید و به دفع دشمن جاناً و مالاً حاضر باشید ، شرف ماییت و محبت وطن را و وجوب دفع کفار را به افراد ملت بجهانید ، حکایت سلیمان و عمه را در وادی النمل که بآن همه ضعف باستظهار وطن و پشت گرمی ملت پادشاه مورچه کان چگونه مدافعه از کوکبه سلیمان نمود ، و فریاد (وهم لایشعرون) را بی محابا بسمع جنود سلیمان رسانید ، شما از مور ضعیفتر نیستید ، و خصماء شما از سلیمان قوی تر نیستند ، باهم اتفاق نیاید و بدوات عرض خلوص و جار نشیری کنید و در وطن عزیز که حسن حصین خدا دادی است دل با اتحاد قوی دارید ، مکنونات صادق آمیز و الفاظ اختلاف انگیز را از میانه بر دارید ،

شما ملت ایران يك پارچه هستید و افراد ملت ناروی بود آن پارچه است ، هر نار ضعیفی سبب قوه این پارچه است ، باهم الفت کنید تا قوت بگیریید و این وطن عزیز قلمه و خانه شاست ، نار بود ملت را از هم کویخته نکنید و قلمه خانه خود را بهفت از دست ندهید ، دزد هر قدر جسور باشد از بیداری طفلی در اندیشه باشد ، بذات اقدس احدیت قسم اگر بیدار باشید و دست هم ندهید و نگران خانه و مسکن خود باشید دزدها از شما بهره نخواهند برد ، بفرص محال بردند ، آیا مرگ با غیرت بهتر از زندگی با ذلت نیست؟ آیا آنکه در راه ملت و دین شهید شده با آنکه

کفار را به اسلام مساط کرده مساوی است ؟ پس بعد از عرض این مقدمات بمرض مقصود شروع میکنیم ، که وظیفه دولت در اینموقع آنست که بطریق لطف و مهربانی و داد رسی جلب قلوب عامه فرمایند و در انتخاب و تصحیح کابینه دولت مداخله فرموده و کارداران و تجربه کاران را بریاست امور عامه مقرر دارند ، و در نظم امور لشکری و کشوری و خوشنودی لشکریان و امنیت کشوریان ساب راحت از خود نمایند و با تمام دول اجنبی با کمال دقت و نزاکت طریق اقتضاد را رعایت فرمایند ، بجوی که حرکات شان به برخورد دولت برخورد و نه بر دودل اجنبیه ، و بملاحظه ، نزاکت اینمقام سزاوار آنست که دانا و سیاسی تربین رجال را به وزارت خارجه منصوب دارند و به تزئید قوه مدافعه و محاربه آنها قاناً مواظبت فرمایند ، و بدوستی و صلح خواهی همسایگان و همراضی دوستانه سفرای دول و مذاکرات مجلس صاحب لاهی امنیت نمایند ، و در حق مجلس پارلمان که آینه بدن نمای ملت است حمایت مخصوصه ظاهرآ و باطناً مبذول دارند ، و هیچ نکته از مهمام ملت و مملکت را بدون مشاوری مجلس امضا فرمایند و ذکر تشکی مجلس را با احدی ازند ما ووزرا فرمایند ، اما وظیفه مجلس شورای ملی آنست که از گفتن حق هرچند بضرر شخصی خود باشد اغراض نکنند و قوانین مملکت را بدون افاه وقت منظم داشته بوزارت خانه ها فرستند ، و اجرای قوانین را بشدت مطالبه نمایند ، که اجراء قوانین در ملک یکی از اسباب رفاح شمرده میشود ، و در ماده این تقسیم حرف قبول بزبانشان جاری نشود و گفته شود که مجلس شورای ملی بطلب استقلال دولت و آزادی ملت و قانون بودن مملکت مواد راجحه به تقسیم جغرافیایی ایران را قطعاً قبول ندارد ، و این جواب را رسماً در نزد تمام دول مدکر سازند و ملت را از این تقسیم هراسان بقلم دهند ، ملت را هم بذکر قوت و اقتدار اجانب نرساک میکنند که واهمه و ضعف دل علامت مغلوبیت است و در اینجا چون افکار آزاد است عرض میکنم ، که نصف اوقات مجلس را عانی مقرر دود و نصف دیگر را سری گفتگو نمایند ، و مذاکراتی که باه تشعب اجانب و

تخذیر ملت است در مجلس عانی صحبت نه نمایند و کلام معصوم علیه السلام را (استعینوا علی حوائجکم بالکتمان) متذکر باشند ، و نگذارند بعضی اخبار موحشه از قبیله اقتدار دول و بریشانی حال دولت و مات ایران بواسطه انتشار گوش زد عامه بوده باشد ، و اجانب بر جمیع اسرار اندرونی ما مطلع باشند ، وظیفه وزراء آنست که از وظائف خود آنی غفلت نمایند ، و خود را جوب شمع بسوزانند ، تا جوی بواسطه اشراق ایشان از ظلمت جهالت و ذلت خلاصی یابند و وزارتخانه ها را مدار دستگاه دولت دانند ، و در اجراء احکام دولتی در کمال سرعت حرکت نمایند ، و مسامحه و ماطله و مداهنه در وظایف خود روا نه بینند ، و تمام هم شان تأمین داخله و تقلیل قوذ خارجه و تزئید قوه دائمه و رفع اسباب نقصان نفوس و فقدان فلوس و ترمیم انتشار علوم و قانون و صنایع در میان مات و تعدیل مالیات مملکت و حفظ ثنور و حدود و قوانین موضوعه مجلس شورای مقدس را بدون مسامحه اجرا نمایند ، وظیفه حضرات صحیح اسلام و مقلدین دامت برکاتهم را خود بهتر میدانند که روی تمام مات بسوی ایشان است ، و همکشان یکدل و یک جبهه امتثال اوامر ایشان را حاضرند ، احکام آلهی را طالبند و اقتضات زمان و وضع حرکات اروپاییان را طارقد ، و دقیقه بر ایشان مجهول نیست ، و نکته بر ایشان مستور نه ، و فائله هابله تقسیم ایران و محو نمودن اسلام و ایمان بر ایشان پوشیده نیست ، اگر در این موقع خطرناک حامیان اسلام را از حرمت استعمال امتعه خارجه که علت تامه سلب قوذ ایشان است و وجوب دفاع کفار از هجوم کردن بر اسلام و حرمت یا کراهت بیع و شرای چیزی که سب تقویه کفار و ضعف اسلام بوده باشد و احیر و حدمشکار و معاور کفار شدن و بر ایشان رکون نمودن و غیر اینها ، اگر تکلیفی بر ذمه خود میدانند معین فرمایند ، تا عامه مقلدین تکلیف شرعی خود را دانسته حامل باشند ، هرچند که تکلیف موقی باشد ، زیرا که تکلیف مزبوره تا مشروعیت نداشته باشد بسمع قبول عموم نخواهد رسید ، و حکم مقولین را که در راه دفاع از اسلام واقع شود که

جماعت فی سبیل الله و شهید در راه طلب رضای خداوند هست یا نه مقرر فرمایند .

وظیفه ملائکین و ارباب قراء اینست ، که از تعدی بزیرستان خود دست کشیده و ارزاق قوت قالب مات را از فروش بقیمت روز منع نه نمایند و احتکار را بکلی موقوف دارند ، و چنان تصور کنند که کفار ملک و محمول ملک را غصباً از ملکیت ایشان خارج نموده اند و خودشان را مثل یکی از زارعین ذلیل و خوار نموده اند .

وظیفه تجار آنست که تجارت ائمه خارجه را بکلی موقوف دارند و معاونت نفوذ کفار و سبب تقویه امر ایشان نباشند و دلالت و مروجی ائمه خارجه نکند ، متمولین تجار منفرداً یا مجتمعاً بشکل قوم پانیه قاریک لوازم مملکت را از خارجه جلب نمایند ، از قبیل ماکنه های کاغذ و ریسمان و کبریت و متقال خام و جلوار و ظروف و جبت و ماهوت و قند و غیره را در خاک ایران راه پندازند ، و کسانیکه این قوه را ندارند در تجارت ائمه داخله مثل ابریشم تریاک و کتبر و فرش و پشم و پنبه و غیره مشغول باشند ، و ائمه ایران را در خارج رواج بدهند ، و نقد خارجه را بداخله بکشند ، و کسانیکه این قوه را هم ندارند ، در خود داخله مملکت از شهری بشهری مشغول تجارت باشند

وظیفه سایر طبقات ملت اینست که انجمنها کنند و پیانها به بندند که ائمه خارجه را جدأ و قطعاً استعمال نکنند ، و در صدق احداث و ایجاد صنایع و ترویج آن باشند ، هر جمعی در صدق ترقی یک صنعت مخصوصی معاهده و مکالمه نمایند و اسباب رفع احتیاج ملت را حاضر کنند ، و هرکس تعالیم اولاد خود را به فنون و علوم دینییه و معاشیه ذمه دار باشد ، و هرکس که اولاد خود را بیکار بگذارد از دخول در جمیع انجمنها ممنوع باشد ، و به او دختر ندهند و از او دختر نگیرند به عبادت و تشییع و تعزیه او حاضر نشوند ، و هر انجمن مقرر دارند که صدقات جاریه خود را روزانه یا ماهیانه یا سالیانه در صندوق مخصوص ریخته و از آن صندوق اولاد یتیم و فقرا را به مکتب بگذارند ، و به فقرای محله و جمعیت خود اتفاق مقرر دارند ، و در راه دفاع و از هجوم کفار مالاً و جاناً حاضر باشند ، و از پست

ساله تا پنجاه ساله در اوقات مخصوصه مشق تعالیم نظامی نمایند ، و اسب دواندن و نشانه زدن را یاد بگیرند ، و از صندوق اعانه آنچه در این راه ضرور باشد مصرف نمایند ، و از محبت دین اسلام و فواید انصاف ملت و حب وطن و شرف آزادی از اشارت خارجه و حسن عدالت و تبع ظلم و مواساة و مواخاة و احوالات عبرت انگیز سایر ممالک اسلامی که در قید اسارت دول خارجه اند و افکار واهیة آنان در حق اسلام و مخصوص ایران مقالات نوشته و در انجمنها بخوانند ، و در محکاتب به اطفال گوش زد نمایند و در تمام اینها توکل بر حضرت احدیت و توسل به محمد و آل محمد (ص) خاصه بر حجة عصر صلوات الله علیهم بشارة روح است ، کتبه العبد الاحقر

اخبار تازه بمبئی

ایرانیان بمبئی که از کثرت ظلم و ستم مستبدین و به حکام جفا جوی ستم پیشه بناچار ترك امل و وطن محبوب خود نموده پس از طی مشاق سفر به بمبئی رسیده رحل اقامت انداخته اند و شب و روز از شوق وطن بالهای جان در سایشان بگردون میرسد و سیل خونین از مفارقت وطن مألوف از دیدگان جاری دارند محض همراهی و هوا دری و جان شاری سکه نسبت به مجلس مقدس شورای ملی شیداده تعالی ارکانه (که رهاننده ایران و ایرانیان را از جنگال گرگان خودی و بیگانه و پلنگان خون آشام آدم خوار است) در شب دوشنبه دهم ماه ذی‌قعدة الحرام هذمه‌السنه در امام باره شوشترها انجمن شده بنسای انجمن موسوم بانجمن وطن خواهان ایران - گذاشته با کمال شوق و شور و شعف اطهار همراهی با مجلس مقدس شورای ملی و وطن خواهی و مات دوستی نموده تقریباً یکصد نفر در آن انجمن مقدس شرکت و بهضویت ممتاز ، با وجود اینکه جلسه اول بود گردیده ، امید داریم که از این انجمن مبارک کار های بابا ، و خدمات شایسته بوطن مهدس بهر صفت ظهور یابد والسلام

(جبل المبین)

(آتش عشقت حکایتی فساد)

(شورش عشق است کاندروی قناد)

بلی قومی که حسن میباشان بدار و از خار غفلت

خوشیار شوند ، ممکن نیست در هرجا و هر یک
هر قدر دور از اوطان و اخوان خود باشند شریک
غم و شادی و عیش و طیش شان نشوند ، ما از
خداوند متعال ترقی این انجمن مقدس را خواهانیم و
امید خدمات عمده بزرگ از آن نسبت بوطن مقدس داریم
﴿ ایضاً ﴾

پس از انتشار تلکرافات روز مبنی بر اغتشاش
طهران و مخالفت شاه و مستبدین با مجلس مقدس
شورای ملی و سگر بندی اطراف ارك و بستن بازار
و اجتماع اهالی در اطراف بهارستان و شلیک مستبدین
بر مجلس و فدائیان وطن غائله و شور خرابی در
ایرانیان بمبئی افتاد در انجمن وطن خواهان ایرانیان
اجتماع کرده بعد از خواندن مقاله مندرجه جدول المنین
همین هفته اظهاری مهیج و شور انگیز داده حالت
غری در ایرانیان مشاهده میشد ، تمام مستعد فدکاری
و جان شری بودند ، بعضی اب را از غصب بدنان
گزیده ، گروهی با دیده های گریان و سیمای بریان
از برای برادران و خواهران خود که در وطن اسیر
عنه ظلم و ستم مستند متکر از وجنات هر يك چنان
معاذ میشد که روز پروبال می نمودی که رفته
بایرن و جان خود را فدای وطن ، و اینی وطن
نمایند ، پس از گفتگوی زیاد اتفاق آراء بر آن شد
که تلگرافی از جانب انجمن مقدس وطن خواهان
برگشت بحضور حجج اسلام نجف شرف ابلاغ و
استدعاء رفع ظلم و حکم محکم بر وجوب متابعت مجلس
مقدس شورای ملی و خاندان و مخالفت با مستبدین و
تولین اصدار فرمایند ، لهذا در همان مجلس صورت
تلگرافی نوشته و هر کس هر چه همراه داشت بجهت مخارج
تلگراف تقدیم نموده تلگراف ذیل را بجنف اشرف
نمودند ، امیدواریم که تا کنون رفع ظلم از برادران و
خواهران وطن ما شده باشد ، و مستبدین ظالم هر کس
بسیزای عمل خود گرفتار شود و از قراریکه معلوم
میشود بعضی از وطن خواهان مصمم حرکت بوطن
شده اند ، که در یسر و عسر و شدت و رخا با برادران
و وطنی خود شریک باشند

﴿ صورت تلگراف انجمن وطن خواهان ﴾
(ایرانیان بمبئی نجف اشرف)

نجف - حجج اسلام - طهرانی - خراسانی -

مازندرانی - اخبار طهران رسیده مجلس محصور ،
بازارها بسته شاه عهد شکسته ، مستبدین بر مجلس
شلیک کرده ، استدعای حکم محکم و وجوب متابعت
مجلس (انجمن وطن خواهان ایرانیان بمبئی)
﴿ صورت تلگراف علای خراسان ﴾
(بحجج اسلامیه نجف اشرف)

نجف - حضور حجج الاسلام آقای حاجی - آقای
الخواند - آقای مازندرانی - آقای طباطبائی - از
هجوم تراکه همه منزلت خراسان در معرض زوال
اطراف منسوب (امضا علای خراسان)

﴿ صورت تلگراف حجج اسلامیه نجف اشرف ﴾
(طهران - توسط مجلس محترم ملی)

حضور مبارک اعلی حضرت اقدس هاپون شاهانه
ادامه سلطاه

تلگراف هجوم تراکه از خراسان و اصل ، دفاع
از آن عتبه مقدسه اهم تکالیف ، البته دولت ابد آیت
صرف تمام قوی فرموده چنانچه بمرکت داعیان
متوقف شود بجان حاضریم

الاحقر بحل المرحوم میرزا خلیل

الاحقر عبدالله المازندرانی

الاحقر محمد کاظم الخراسانی

﴿ ایضاً ﴾

﴿ مشهد مقدس ﴾

خدمت جنابان مستطابان آقایان عظام علماء اعلام
دامت برکاتهم - تلگراف موحشانه واصل ، دفاع از آن
قبة الاسلام اهم فرائض ، تلگرافات لازمه بخاربه ، و
چنانچه بمرکت خودمان هم متوقف شود همگی بجان
حاضریم الاحقر محمد کاظم الخراسانی

﴿ تلگرافات ﴾

(۱۴ ذی قعدة - ۲۱ دسمبر)

§ در (دیان) (مسترگناه) یکی از اجزای
مجلس شورای ملی را بجرم توهمین بدالت ۶ ماه
زرای حبس دادند

§ در پورتسموتیه (کشتی موشک شکن) (لی) با
کشتی موشک شکن (فیتزی) مصادف و کشتی اول
را نقصانی رسید

§ تلگرافی از (نیویارک) خبر میدهد که چنان انتظام داده شده که (۸۰۰۰۰۰۰) دلار از مالیات آنجا اضافه حاصل شود

(۱۵ ذی قعدة - ۲۲ دسمبر)

§ روزنامه (استندرد) می نویسد اداره بحری را اراده اینست که يك دسته جہازات جہت بحر (سفیك) شمالی امریکا در ماه می آیند مرتب نماید . دسته مذکور دارای (۴) کشتی موشک شکن و (۶) کشتی موشک خواهد بود ، ومظنون است در (اسکریمالت) توقف نماید

§ بموجب خبر اخیر اداره بحری تکذیب این خبر را نموده است

§ انجمن مالکان کارخانه بنبه (منچستر) را اراده اینست که بعد از ۱۸ جنوری مستخدمین را که دست از کار کشیده بودند خارج نمایند از این رو (۵۰۰۰۰) فریبکار خواهد شد

§ قشون فرانسه که در سرحدات (الجیریا) و (سراگو) مقرر بودند بعضی جبال را متصرف شده و دره های متصرفه باغبان را به دخل خود آورده . نوایان قبایل کم کم می آیند و جریمه های را که دولت فرانسه مقرر نموده ادا می نمایند

§ (مورس باشا) سفیر دولت عثمانی منتهی انگلند وداع زندگانی نمود

§ (مسترتفت) وزیر خارجه امریکا در (نیویارک) اظهار داشت این امر بکلی غلط است که ژاپون برخلاف دولت امریکاست . دولت ژاپون هیچوجه متردد نیست از اینکه دسته جہازات جنگی امریکا در بحر (سفیك) خواهد رفت . چه خوب میداند محض مشق و بس

(۱۶ ذی قعدة - ۲۳ دسمبر)

§ فعلا در (نئال) بر خلاف قبيله (سلوانی) که مقیم (گریتاون) هستند کار روانی می شود - این قبيله خیلی جری و شجاع و درخاک (نئال) میباشد . در بقاوت قبل این قبيله مطیع بود ولی اکنون بر آنها شك می رود

§ تلگرافی از اسلامبول رسیده که سفرای دول خواہشهای باہالی را درباره نمایندگان خارجه (مقدونیا) کلی غیر ممکن دانسته باہالی را حیل این است که

آنها بدین شرط بخدمت معین شوند که تحت الحکم باہالی شناخته شوند آنوقت باہالی موجب آنها را خواهد داد

§ (ملاند) تخمینہ بودجه وزیر جنگ را بابت مخارج افواج منظور نداشته و کانسراں را با اعتماد و وثوق از وزیر جنگ مرتفع شده است

§ (لارڈ رابرت) سپہسالار سابق هند . افسریان و سردران را که در زمانہ بلوای هندوستان کارهای نمایان نموده بودند در (هایڈپارک) در مقابل مجسمہ (کننگ آلبرت) ملاقات نموده . (لارڈ مینتو و لارڈ کچتر) از ہند ہم تلگراف امتنان داده اند

(۱۷ ذی قعدة - ۲۴ دسمبر)

§ دسته جہازات جنگی امریکا وارد (ترنیداد) شد

§ دولت امریکا حکم به خریداری يك ملیون انس طلا داده است

§ افواج (نئال) را رحمت دادند و اقدامات جنگی موقوف شد

§ قانونا مرافعة (دینی زولو) در محکمة عدلیہ شروع شد - یکی از دلخترت سردار (بمبانا) شہادت داده که در بقاوت سنہ ۱۹۰۶ (دینی زولو) شرکت داشت

§ اعلانی در قاهرہ اشاعت یافته که حسب الرضايت دولت انگلیس قیدیان (دتشتوی) را در جشن تخت نشینی حدبو که ۸ جنوری است آزادی داده خواهد شد

§ (مستر هالدين) حکمی صادر نموده که قشون (ملیشیا) از این و بعد موسوم بقشون امدادی خواهند نمود

(۱۸ ذی قعدة - ۲۵ دسمبر)

§ در جمیع دول (اوویا) رسماً اعلان شده که اینوقت در تمام مملکت حجاز مرض وبا شیوع یافته است

§ حکومت (نئال) اقداماتی که برخلاف قبيله

(۲۱ ذی قعدة - ۲۷ دسمبر)

§ از تلگرافات (مراکو) ظاهر میشود که (جنرل درود) مبتلا به تب وبائی شد (کرنل بوتنه گارد) بسپهسالاری قشون فرانسه در (کاسابلانکا) برقرار گردید

§ حاکم (تسال) ۴ جنوری سنه ۱۹۰۸ حبه ملاحظه اطراف (رولولند) رهسپار خواهد شد. کان این است که از این دوره امنیت حاصل شود
§ مخبر (روتر) ز (پیکن) خبر میدهد که بموجب اعلان حکومتی که منتشر شده - معامین و متعلمین و منتظمین کتاب و مدارس را در صورتیکه برخلاف دولت شور و غوغا در امور پلتیکی نمایند سزاهای سخت داده خواهد شد

§ درمکه معظمه و مدینه منوره و بنوع وبا بشدت شیوع دارد تا کنون بالغ بر صد نفر هلاک شده است
§ از (پورت سعید) را پورت رسیده که بسبب دست از کار کشیدن مزدوران بندرگاه از چهارات محموله ذغال مملو شده ، ازین رو قرار داده اند از ۲۶ دسمبر جمادات ذغال را خارج از لتگر گاه ببرند
§ (دبوك و دجس آف كذات) طرف (مالتا) رهسپار شدند - چند روزی در پاریس تفریح خواهند نمود

§ تلگرافی از (توکیو) رسیده که حبه هیرت ژاپویان در ممالک خارجه بحث می شود

تلگرافات روتر راجع بایران

(۲۳ دسمبر - ۱۷ ذی قعدة)

§ قائم مقام رئیس اداره (روتر) مایکی از سیاسیون بزرگ انگلستان ملاقات نموده ، در واقعات حالیه ایران بزرگ موصوف چنین اظهار نموده که بری وار بهترین امید بهبودی آن است که دولتین روس و انگلیس بدون هیچگونه مداخله در امور داخله آرمات و دولت ایران را در انضاطات ملکی تأیید نمایند ، همین قدر که ایرانیها را بقین حاصل شد که دولتین روس و انگلیس بدون طمع در بهبودی ایران کوشش مینمایند آنوقت حالت انتظامی ایران خیلی ترقی خواهد نمود ، هر جهت حال موجوده تأدیر باز در ایران باقی

(سلوان) اراده داشت ترك و نیز (۲۹۵) نفر را که سال گذشته بجرم شرکت در بغاوت محبوس بودند آزاد نمود

§ اقدامات (زولولند) اختتام پذیرفت - زوجه (مبابا) نیز برخلافه (دیی زولو) شهادت داد
§ تلگرافی از (مبیا) رسیده که وزیر جنگ بسبب اینکه (کافراس هیک) تخمینه مخارج فوجی او را منظور نکرده ، استعفا داده است

§ سیوه (سر ویام پیرس) که لاوارث بود مرده و (۴۰۰۰۰۰) لیرا وقف مدرسه (تربیتی کالج) در (کمبریج) نموده است

(۱۸ ذی قعدة - ۲۶ دسمبر)

§ روز ولادت حضرت عیسی علیه السلام در انگلستان طوفان شدیدی شد - قصاص زیاد وارد آورد ، مسافری که از (ایورپول) به جزیره (مین مبرفتند تمام شب را در دریا بسر برده ، دیروز عصر رسیده فرود آمدند ، روز ولادت وقت صبح در کلسیای (منچستر) شخص غیر معروفی در مقام وعظ بالا آمده و مشغول بموعظه و نماز شد با اشکال زیاد جبراً او را پائین آوردند
§ وقایع نگار (طمس) از (پیکن) تلگرافاً خبر میدهد که فرمان به دستخط ممالک صادر شده که دولت چین را از راه اینست که معجلا قانون مشروطیت سلطنت باید بگری داشت در صورتیکه موانع پیش آید البته در پیش رفت امر تعطیل واقع خواهد شد

(۲۰ ذی قعدة - ۲۶ دسمبر)

§ بعد از ملاقات بین (مسیو - رگنات) و سلطان (مراکو) به (جنرل درود) حکم شد که باقیان را از قلمه (مپوبوتا) بیرون نماید - چه توقف آنها در قلمه مورث سرکشی قبیله (چویا) خواهد شد - از (کاسابلانکا) خبر رسیده که وقتیکه قشون فرانسه ملاحظه جمعت اهراب را نمود با سواران رو برو و مقابله شدند

§ هر ر بلوئیان (ولاد پوستک) را حکم شد با کلوله هلاک کنند قشون زیادی در سرحد (فینلند) نگاه داشته شد و مسافری از تردد آن اطراف منع شده اند

نخواهد ماند، چه در آسیا جوش حریت و ترقی زیاد شده
خاصه در مسلمانان از هر نقطه آواز ترقی بلند گردیده است
اینک دول اروپا کمال سعی را دارند که واقعات
مراکو در ایران پیش نیاید، چه اروپائیان را اهلا بآیات
مراکو در افریقا و سایر ممالک خیلی نقصان پلنیکتی وارد
آورده است، بدون شك و شبهه نفرت ایرانیان از
روس و انگلیس و اقدام آنها بر خلاف دولین اثرات
شده بیده پلنیکتی بر هند و قفقاز و ممالک وسط آسیا
خواهد بخشید

حبل المتین

از يك سال باین طرف ما مکرر و متصل درین
موضوع بحث کرده مات و مجلس را منتهی ساخته ایم
که هر يك از همسایگان ما که بصورت تصرفات غیر
مشروع در داخله ایران داشته اندازد در خود پیچیده
و گرفتار میباشد که امروزه محال است بتوانند کشتی
پلنیکتی را در درین دریای متلاطم ایران در اندازند
امنیت و ترقی این مات بیدار هوشیار را جز برای
نمی تواند داد، و جوش آزادی خواهانه هند و قفقاز
و وسط آسیا ایران را از برکات متجاوزانه همسایگان
تا درجه محفوظ داشته ابر بیهوش است که همین قدر
مراعات نماید که رعایای بی خارجه از جانب جهان
ملت احساس و زیادی شود، و نه بدست دیگران
نهند صد سال است که محمل احساسات رعایای بی
خارجه را در داخله نموده، یکدل دیگر هم به نمایند،
تا دهنه قانون یا کمال ملامت ردهاں آنها رده شود
در آن صورت خود بخود آرام خواهند گرفت، درم
چیزیکه ماه بدست اجانب میدهد تخلف از معاهدت
است، این نکته را یقین داریم بر خلاف قانون بین الدول
و کلای محترم حراکت نخواهند نمود، هرگاه ما این دو
نکته را ملاحظه نمودیم، ولو صد هزار مرتبه در مناظرات
داخلی بین خودمان گفته شود، ولو سلطنت را تبدیل
بجمهور نمایند و یا کاستوتیویشن را تبدیل باستبداد
سازند محل ابراد خارجه و مع نخواهد گردید، اختیار
سلطات و مملکت در کف مات است، ولو يك دینار
مال الحارثه خارجه را نخورند ابدأ محل الزام واقع

نمی توانند شد از همه بالاتر مواد اغتشاشیه که در ممالک
همسایگان موجود است فرصت بسیار همده برای ایرانیان
پیدا کرده است، اگر چه این ماده روز افزون در
ممالک همسایگان زیاد خواهد گردید ولی ملت و دولت
ایران را است که این موقع را غنیمت دانند و پیش
از همه چیز در نیمة قوای دفاعیه خود برآیند
(۲۴ دسمبر - ۱۸ ذی قعدة)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که عالی بخواهید
حلقه بادشاه که با فرآن مهر نموده و به مجلس شورای
ملی فرستاده اعتماد نموده، معسراند که بادشاه باید عملاً
همراهی خود را ظاهر فرماید، مختصر دکان ها باز است
و اهالی اطراف نیز مسالما و در طهران می شود از چهار
جانب شهر آوار شلیک مانند است

حبل المتین

آی، محقق است ملت از پادشاه چند امر را
سربعاً خواستگار شده، وعده را در آن قبول نمی
نماید، اول آنکه مؤسسين اغتشاش که ریشه استبداد
و در حول و جوش سلطنت جای گیر شده خود را از
بستگان محض پادشاه می شمارند بسزای خود که اقدام
و یا تبعید است برسانند، دوم سپردن تمام قوای لشکره
ست بوزارت جنگ مسئول، چه تا این فوه حذر
پادشاه و این فسدین فی الارض دور نیست مانند
هرگز اتحاد بین ملت و دولت قائم نخواهد گردید
و اداره عسکریه ایران معظم نخواهد شد، و در بین
مجلس را بجری نباید تصور کرد، سوم کم نمودن
اختیارات است در ماده و ردای مسئول، مسلم است
اگر پادشاه حوائف را با این حیثی جای بگیرد
خطرات مطلقه روزرزی مسئول داشته باشند و بدون
هیچ سبب و حجه و هیچگونه نصیر مانند نصر الملک
رئیس لوزرا را بقتاً گرفته و حاس نمایند هیچ شخص
ناشرفی در ایران وزارت قبول نخواهد نمود، هیچ لازم
به تشریح نیست و در صورتی مسئولیت را میتواند
نمه گیرند که عرس و ناموس و حال و جانسان
محفوظ و نامون باشد و نه محال است نتواند در مجلس

مسئولیت صحت عمل خود را قبول نمایند مگر اینکه مسجل شود که برخلاف قانون کانسبو تیوشن پادشاه را حکم و تسلطی بروز را نباشد ورنه هماره همین آتش را در کاسه خواهیم داشت

(۲۵ دسمبر - ۱۹ دقمده)

§ وقایع نگار (طمس) از پترسبرگ تلگرافاً به اداره موصوفه اطلاع میدهد که تمام اخبارات معتبره این شهر بای نخت از کیسیون صاحب اندیش روس و انگلیس که برای اصلاح بین شاه و مجلس ملی توام اقدام نموده تصدیق می نمایند، و نیز از اتحاد ملت و دولت ایران اظهار مسرت می نمایند. و امید ظاهر میدارند که ازین و بعد اتحاد نام تمام بین ملت و دولت ایران قائم خواهد گردید

حبل المتین

مقصود جرائد روس از کیسیون موهومی دولین عبارت است از توام رفتن سفیر انگلیس و روس نزد پادشاه که با اشاره دولین متبوعین خود اصلاح ذاتالبین نمایند

دانایان رموز سیاست میدانند که در اشاعه این گونه سخاوین مقاصد پلنکی مد نظر است. یعنی مدین بهانه دولین روس و انگلیس میخواهند از معاهده اتحادیه خود را در ماده ایران بر طالبان ظاهر دارند. و کم کم این معاهده را از روی پلنیک ایران بقبولانند. و با این گونه حرکات بر عالمیان جهان بفهمانند که ایرانیان قبول مواد معاهده ما را کرده اند. و حال آنکه (مانی فستو) که مجلس پارلمان از طرف ملت داد. اطلاع نامه بود که بجمع ملل و دول پیش نمود. و کلای محترم ملی راست که با کمال دقت ملتفت این نکات پلنکی باشند. یعنی هیچ نکته را از مد نظر دور ندارد نه اولاً و ثانیاً تصدیق و تأیید معاهده دولین را به نماید. در هر مسأله که شا شود بخارج رجوع نمایند هیچگونه اختصاصی بروس و انگلیس ندهند. مثل (مانی فستو) که بجمع دول دادند. یعنی عمومیت باید داشته

باشد. تا دولین نتوانند اختصاصی برای خود در معاملات ایران حاصل نموده همان اختصاص را تأیید یا تخصیص بر معاهده خویش قرار دهند. شور و خروس ملت برخلاف معاهده دولین و جواب شافی کافی رسمی دولت دولین بلکه بجمع دول. ربع اثرات این معاهده را باقی نگذارند. این است که دولین بدست و یا افتاده که شاید در اقدامات پلنکی بتواند بر اثرات معاهده خود بیفزایند. ملت و دولت ایران باید در جمیع مواد معاهده دولین را در جلو روی خود گذارند. نوعی حرکت کنند که موافقت با مواد آن پیدا نه نماید و این مصیبت عظمی را برخلاف سایر مصائب که ابتدا بزرگ و رفته رفته کوچک می شود قرار دهند. و هماره او را تازه تصور کرد و روز بروز بر عظمت این مصیبت بیفزاید زائل شدن بقیه اثرات این معاهده منحصر در آن است که ایرانیان قوای دفاعیه خود را تکمیل نمایند و تا وقتی ایران قوای دفاعیه خود را کامل نه نماید خطر را نمیتوان از ایران دور تصور کرد تکمیل قوای دفاعیه ایران منحصر است به تشکیل اردوهای ملی از روی قاعده صحیح بطرز جدید

در مسئله سرحدی که از طرفین حکم و ثالث دولین روس و انگلیس قرار یافته که برخی جرائد میخواهند این نکته را تصدیق عملی ایرانیان بر معاهده روس و انگلیس قرار دهند اما مقرون بصواب نیست. چه این حکمیت دولین از شصت سال قبل ایران و عثمانی خواهش نموده بودند اینک بزمان حکمیت است این بوقت نیز یکسال قبل از این معاهده و هم از جانب دولین دارای این حکمیت شده اند علاوه بر این اگر این حکمیت مخصوص قیومیت را ثابت نماید اختصاصی بایران ندارد باید قیم عثمانی هم شمه باشند. مع ذلک گویا در تصفیه امر سرحد غیر از دولین روس و انگلیس دول سائره نیز بی دخالت نباشند. تفصیل این احوال را ما بوقت خود خواهیم نمود

جبل المتین کلکتہ

مدیکل کالج استریٹ نمبر ۴

Hablul Matin Office
4, Medical College St.,
CALCUTTA.

وکلا ذمہ دار ابویجات مشترکین اند

(بدل ابونہ اخبار پیشگی گرفته میشود)

قیمت اشتراک

سالانہ -- شش ماہہ

هند و برمه

۱۲ روپیہ --- ۷ روپیہ

ایران و افغانستان

۲۰ قران --- ۲۵ قران

عثمانی و مصر

۵ عییدی --- ۳ عییدی

اروپا و چین

۳۰ فرانک --- ۱۶ فرانک

روس و ترکستان

۱۰ منات --- ۶ منات

نامہ مقدسہ

المتین

سنہ ۱۳۱۱

(مراسلاتیکہ بدون امضایے معروف اداره)

(باشد درج نخواهد شد)

کلیہ امور اداره با

مدیر کل مؤید الاسلام است

هر دوشنبہ طبع

و سه شنبہ توزیع میشود

یوم دوشنبہ

ذیحجۃ المرام ۱۳۲۵ هجری

مصادف با

۶ جنوری ۱۹۰۸ میلادی

در این جریدہ از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید مافی بحث میشود

(مقالات عام الخفہ مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

ایران و همسایگان ثلاثہ

ظاهر است کہ دانایان خیر خواہ امروز برایے ایران آرزوی جنگ با بیجیک از همسایگان را نمی نمایند ، خاصہ با دولت عثمانی کہ یکی از دول اسلامیہ بشمار است ، ولی مقتضیات پاتیک و نفیرات سیاسی بای بند بہ آرزو و عدم آرزوی ما نیست ، و خواہ مخواہ امور طبیعیہ و مقتضیات سیاسیہ طبعیت بموقع خود بوقوع می پیوندد ،

چنانچہ هفته گذشتہ ہوشتم ملل و دول ہوشیار بیدار ہارہ در موقع صالح مناسبات و مواعیات ایام جنگ را مد نظر میگیرند ، پس چہ ضرر داردمت ابرایہ ہم کہ تازہ سراز بسترفلت صد سالہ برداشتہ بای در دائرہ تمدن و ترقی جدید نہادہ ، درین موقع کہ با همسایگان خود کمال انحام را دارند مانند سائر ملل متمدہ کلاہ خود را قاضی نموده فکر نماید کہ اگر روزی ناموافق بین آنها و یکی از همسایگانشان پیش آمد آنها را چہ باید کرد ؟

ما این مسئلہ را باکمال صالح خواهی کہ داریم ، از آن رو موضوع بحث قرار میدہیم کہ سررشتہ بدست آمدہ ، دانایان ملت و ارباب حل و عقد درین موضوع با احتیالات وسیعہ بحث و شور نمایند ، چہ بحث

و شور درین گونه موضوعات چند فائدہ دارد

(۱) مرہوبت ملت را (کہ مایہ همه گونه مذلت و بدبختی هاست) دور می نماید

(۲) بحث و شور درین گونه مسائل چون از علامت بیداری و ہوشیاری ملل حبیہ بشمار است ، تا درجہ جرئت و جسارت همسایگان را کم می کند

(۳) این گونه مباحثات و مشاورات روح پاتیکی مات و دولت را تازہ میکند ، و دم بدم اگر حیات پاتیکی بہ ملت تازہ بیدار شدہ نرسد آن مات در مقابل ملل حبیہ بشمار نتواند آمد

(۴) ہمینکاین گونه مسائل موضوع بحث ارباب حل و عقد و دانشمندان ملت واقع گردید ، هر گاہ نقائص در کار باشد وقفہ وقفہ تکمیل ، و اگر مواسی در حلو بیند کم کم مرتفع خواهند داشت ، و درین گونه مباحثات ہزاران نکات سیاسی ظاهر ، و سدہا رموز پاتیکی همسایگان آشکار میگردد ، کہ اطلاع هر یک بموقع خود برای ملت و دولت مفید تواند بود

پوشیدہ نماید کہ بحث درین موضوعات تا وقتی کہ عملانیز از ملت اقدامی شود کاملاً متمر نہر نتواند گردید ، ولی هیچ جای شہ نیست کہ عمل بعد از معلومات است ، و بدون بحث در اینگونه مسائل معلومات برای یک ملت

تازه بیدار شده (که خواص بلکه ارباب حل و عقدش از وضع جغرافیائی ملک خویش تا چه رسد بممالک دیگر واقف می باشند) حاصل می شود، این است که ما از همه آنها محترم خود و ارباب جراند فارسی خواهش می نمایم تا جائیکه به نزاکت بن الهولی برنخورند، درین موضوع بحث نموده ، روح پلنیک در مات بدنند، ولی چنانچه هفته گذشته اشاره نمودیم نزاکت بن الهولی عبارت از مرعوبیت مطلقه و پلنیک بوسیله صد ساله دولتیان ما (که تسلیم صرف در فرمایشات همسایگان بود) میباشد از بیان آخرین نکته نیز صرف نظر میتوان نمود، که بحث درین گونه موضوعات آنچه طبیعی است نقصان پلنیک بیچوچه بر آن متصور نیست (خاصه در این زمان که همسایگان بهتر از خودمان از مقتضیات طبیعی ایران واقف اند) ولی آنچه راجع به عملیات خودمان است نه حریف اگر طریقه اجرای آن منحصر باشد ، در عوالم پلنیک الحفایش بی نتیجه و ثمر نیست ، لذا فعلاً بحث ما درین موضوع منحصر در طبیعیات خواهد بود نه عملیات ، پس بردانیان ملت میباشد که در عملیات این فن آنچه را که به نظرشان مقید آید ، و استوارش را لازم تصور کنند، لایحه نوشته بارباب حل و عقد و مجلس مقدس شورای ملی تقدیم نمایند ، و نیز از ارباب حل و عقد امروزی ایران مستدعی جنابم که عادت میشود خود پسندی را که چون میکروب طاعونی در خونهای بزرگان ایران سرایت کرده از خود دور نموده ، و دانست خود را در امور ملک و ملت و در مواد پلنیک کافی تصور فرمایند ، و در لوائح دانشمندان که جز خیرخواهی ملت و دولت و حب وطن همین منظوری ندارند تصق نمایند ، که بوق حقیقت از تصادم افکار حاصل گردد ، و بر فرض هم که قابل پیروی نباشد توسعه خیال برای آنها حاصل تواند گردید

پس از این مقدمه بدوا میدان جنگ موهومی بین خودمان و عثمانی آراسته می نمایم ، که مقصد میل تخمیناً خط سرحدی بنیان متحد است ، یعنی از بازید گرفته تا برسد بسرحد صحره و ابتدا در مساعدات عثمانی يك نظر سرسری میکنیم

از آغاز تشکیل دولت عثمانی تا یکصد سال قبل هلاک سلطنت مشارالیها دولت عسکری بشمار بود ،

و لشکریان او بین الدول ضرب المثل بودند ، ولی از یکصد سال باین طرف همه روزه از قوت و قدرت او کاسته شده ، خصوصاً از بعد جنگ اخیره با روس و شکست آن اقتدارات جنگی او یکدفعه سلب گردید ، و در اقلام والسنة سیدسیون به (دولت عیالی) نام بردار شد ، و بقدری ضعف از هر حیثیت بر او غلبه نمود که امارت های کوچک تحت امر وی مانند یونان و صرب و بلغار در او طمع انداخته ، و در مواقع عدیده هم از او فایده حاصل نموده اند

سیاسیون از بعد شکست اخیره عثمانی از روس حیات سیاسی او را در سایه رقابت دول دانسته ، که عمده آن رقابت انگلیس و روس بود ، که آنهم فعلاً مرفوع گردیده است

دولت عثمانی امروز حفظ استقلال خود را در سایه اتحاد با آلمان دانسته ، و حرکات سیاسی آن بحرکات امانل سیاسیون آلمان منوط است ، از ده سال باین طرف تمام حرکات عثمانیان در عوالم سیاست مبنی بر اشارات آلمان بوده ، و سیاسیون متفق الکلمه حرکات عثمانی را در عوالم سیاست من غیر اراده پنداشته اند ،

ببابت بسیار ساده عثمانی را سنگ رو بخر آلمان میداند ، بدین مناسبات در این مناقشات اخیره سرحدی ایران نیز حرکات عثمانی را مبنی بر اشارات پلنیک آلمان می پندارند ، هر یک از مطالب معروضه باده سیاسته شرح و بسطی لازم دارد ، که صفحات این اوراق گنجایش آن را ندارد ، و نیز بسیاری از نکات است که نگارشش امروزه مناسب حال ما نیست ، دانایان ما نوشته باید بخوانند ، و ما گفته بدانند ،

همین قدر باید دانست که بزرگترین مساعدات عثمانی درین حرکات غیر مشروع در سرحدات ایران آلمان است ، و در صورت جنگ با ایرانهم بعید نیست که در پرده آلمان بعضی تأییدات عثمانی بدهد ، ولی چون آلمان ازین و بعد خیلی امیدواری در ایران هم دارد تأییداتش عثمانی خیلی محرمانه خواهد بود

مساعدت دیگر عثمانی انقلابات داخلی ایران و اختلافات بین ملت و دولت است ، و این گونه انقلابات را عثمانی هماره در ایران غنیمت دانسته ، و هر وقت نسبت بایران اظهار جلالتی نموده درین گونه مواقع

بوده است ، تاریخ نشان میدهد که تا امروز در زمان قوت و ایام آسایش ایران عثمانی از در مناقشه بیرون آمده باشد لطف انجاست که با این حال هم هماره عثمانی از منازعه با ایران خساره برده و طرفی نه بسته است

سه دیگر از مساعدات عثمانی وضع بی ترتیبی امروزه قشون نظامی ایران است ، و درین مسئله طشت ما از بام افتاده ، و هیچگونه برده پوشی نمیتوان نمود ، چه اگر قشون نظامی ایران بی ترتیب نبود ، و جمعی در سرحد موجود بودند ، عثمانیان هیچگاه جرأت چنین جسارت ننکرده و تصور اینگونه پیش قدمی نمی نمودند

قشون عثمانی نسبت بوضع حالیه ما تا بک اندازه از قشون نظامی ایران مرتب تر و پیشتر است ، و ترتیب بودجه حربی او نیز فعلاً از ما بهتر (اگرچه در او نیز حیف و میل و افراط و تفریط بسیاری شود

اما مساعدات ایران - مخفی نماید ، که بعقیده برخی ظاهر بیدن قوت ایران نسبت بسابق کمتر شده ، ولی در عقیده رجال با سیاست اگر اختلافات بین ملت و دولت مرتفع ، و انقلابات داخله ایران سکون پذیرد (که بحمدالله رفع شده و سکون پذیرفته) قوای امروزه ایران را از قوای قویه ایام نادر و امیرنیمور زیاده می بشمارند ، چه در آرزمان ایران را قوت شخصی بود ، و امروزه ایرانیان را قدرت نوعی است ، سلطنت ایران امروزه سلطنت نوعی شده ، و تمام افراد ملت حق هروسا در حینال در راه سلطنت ملی خود از بذل مال و جان دریغ نمیدارند ، و امروز پنج میلیون جوانار بیست ساله تا چهل ساله ایران برای حفظ استقلال سلطنت ملی خود سر برکف حاضرند ، و در هیچ زمان سلطنت ایران دارای چنین قدرتی نبوده است

از طرف دیگر همین که در جنگ های ساله ایران باریک شویم خواهیم دید که جوان مردی و بهادری ایران ، و فتوحات نمایانیکه در تواریخ از این ملت و دولت بیاد کار مانده تمام از جسارت و دلآوری ایلات بوده ، امروز نیز همان ایلات شجاع که اینج بر دو میلیون سواران جرار شان را میتوان بمیدان جنگ گسیل داشت ، با بهترین اسلحه موجود داریم ، نهایت این است از روی جهالت دولتیان خان ما از شصت سال باین طرف اسباب اشمز از آنها را از دولت

فرا هم آورده ، و درین مدت دولت تمام استعداد خود را در سرکوی این قوه وطنیه صرف کرده است ، و همین نکته سبب ضعف و اضمحلال دولت گردید ، و علت جسارت همسایگان ، اینک که آن سبب شکست و ایلات بهمرای مات و سلطنت ملی اطمینان پیدا کرده ، دولت را از خود تصور می نمایند هیچ قدرت خارجی در جلو آنها تاب استقامت پیدا نتون نمود ، امروز هیچ دولت نمیتواند در سرحدات ایران برای جنگ ولو بصرف صد میلیون ایرا باشد یا صد هزار فشتون پیاده و سواره آماده نماید ، ولی ایران با مصارف بسیار کم در قلیل زمان میتواند یک میلیون از سواره و پیاده در یکی از سرحدات خود حاضر نماید ، اما در خصوص اسلحه و سایر لوازم حربیه ، عقیده ما این است که ایران زاید باندازه یک جنگ و مختصر دفع از عثمانی اسلحه و قورخانه موجود دارد ، از ابتدای سلطنت ناصرالدین شاه تا کنون که بالغ بر شصت سال است همه ساله یک مقداری توب و تفنگ و سایر لوازمات جنگی علاوه بر آنچه از قدیم داشتیم از کارخانجات اروپا خریداری می شده ، و در خود ابراهم لوازمات جنگی درین مدت مدید خیلی فدارک شده است ، ر این مدت نیز ایران را جنگی پیش نیامده که سبب اتلاف و برپادی اسلحه جنگی او شده باشد ، گیرم از لا الهالی گری رجال و حلیات دولتیان حصه از آن تلف یا بیکار شده ، ولی از روی حتم حصه بیشتر و عمده آن خصوصاً آنچه را از بیست سال باین طرف خریداری شده موجود است ، و آنچه هم از میانه رفته یعنی در دستگاه دولت حیف و میل شده بیضه ملت آمده ، چه سالها اسلحه که بایران وارد شده دو مرتبه از سرحد خارج نشده است

روزنامهجات فرنگ در استاتستیک تقسیم اسلحه که از کارخانجات اروپا در هرصه بیست ساله اخیره خارج شده می نویسند سه میلیون و سیصد و هفت هزار تفنگ تخمیناً در خاک ایران رفته ، و این چیزیت که علانیه وارد شده ، آنچه از قلم افتاده و یا بنجار خارجه و داخله بطریق مخفی بنوائ تجارت وارد کرده علاوه بر این است ، امروز جمیع این اسلحه ها در ایران موجود است ، در صورتیکه دولت

نظر اجمالی سیاسی

وقتی که جنگ روس و ژاپون شروع شد عقیده کلیه سیاسیان بر این بود که برای دولت و ملت ایران بهترین موقعی در اصلاح امور و رهایی خودشان از خطر هلاکت بدست آمده، و باید تا نائزه حرب در اشتغالست آن دولت و ملت انتظار فرصت نموده کشتی بولتیک خود را ارگرداب بلا ساحل نجات برسانند، بملاوه میگویند این جنگ نه تنها بیدار کننده ایران و ایرانیان بلکه موجب هشیاری عموم آسیایان خواهد بود قضایای واقع در داخله روس نیز تا چندین درجه بمد آن فرصت شده، مانایانرا امیدوار ساخت که البته ایرانیان بی قوت وقت بمنافع آتی و فوائد آتی خود بی برده، زود بسر منزل مقصود تمجیل خواهند نمود، نتیجه آن جنگ هم از یکطرف سبب شکست قاهر روس و هم از طرف دیگر باعث جنبش آسیایان (تا درجه محدودی) شد، ولی دریغ که بی اطلاعی ایرانی و اختلافات حاصله در داخله مملکت یعنی میان دولت و ملت نگذاشت که در همان موقع مهم کاری که باعث سعادت و شرافت ایشان باشد بکنند، و گرنه بعکس باید این ملت در آن وقت بی نظیر یک جمعیت متحدی تشکیل داده، بی درنگ به تجهیز لشکر ملی پرداخته و بعد از آن بلا تأمل با ایجاد شرکت های بزرگ اقدام نموده، رویه و طرفی بیش بگرفت که اقل اندکی از احتیاجات خارجه مملکت کاسته شده و قدری ثروت ملت افزوده شود (با عبارت دیگر بقدر هندویان بسکال همت می نمودند) این حرمان چنانکه گفتیم هم از بیعی هیئت و ملت و هم از بی اعتنائی رؤسای روحانی و غفای دولت بود -

بس از این غفای حیرت انگیز و اختتام حرب روس و ژاپون باز امید قوی میرفت که بلافاصله امور ایران یک بحرایی صحیحی گرفته، آثار ملالت طیزی که پیش آنک از حلال شرف ملت بود برطرف میشود، ولی نیل این امید قدری طول کشید، و نزدیک شد آن غفای بدل بمخالات دیگر شود -

در این بین فشار استبدادیکه از قریب متوالی بر

ایران سلطنت ملی است، و فرد فرد ایرانیان اسامه و مال و جان را در حفظ استقلال دولت حاضر میدانند، معلوم است چه قوتی درین قطعه خاک موجود میباشد سابق قوت ایران ملحق در قشون دولت بود، ولی امروز چنان بیست قوای ملیه تمام قوت دولت محسوب، و در حفظ استقلال سلطنت تمام افراد ملت از هیچ چیز ولو برادر و فرزند و جان خود باشد دریغ ندارند

بزرگترین مساعدات دولت ایران حرارت و هیجان ملی است، که سیاسیان برای حفظ استقلال یک مملکت بزرگتر ازین چیزی را تصور نمی نمایند، با این حرارت و هیجان ملی امروزه ایران هر دولت بقصد تصرفات ملکی بر خیزد باتفاق جمیع سیاسیان در صورتی که فتح موفق او را نصیب آید طاقت بجای نفع نقصان حاصل خواهد نمود، و حکومت اجنبی بر چنین ملک و ملت بیدار هوشیار محال اندر محال است (دانشندان ایران راست که هر وسیله و تدبیر بتوانند جوش وطن خویش را در ایرانیان زیاد نمایند، و نگذارند این جوش و خروش خاموش شود چه برود این حرارت و رفتن استقلال ملت توأم است) آمدیم بر مساعدات خارجی هیچ جای شبه نیست که بر حسب مقتضیات پلنیک دولت روس که همسایه یک در و دیوار ما و عنایت و خصومت در بینم بین او و عنانی موجود است، خیلی طائل میباشد که در چنین موقع دولت عنانی را قدری مشغول داشته، از قدرت او بکاهد، تا رفته رفته بقوت خود بیفزاید، بدین لحظ از تأییدات سری ایران باز نخواهد ایستاد، و این مسئله نیز در طور شرح و بسط زیاد است، ولی شرح و بسط آن امروزه منتضی با پلنیک ما نیست، لذا اشاره را در آن کافی می بیندیم تا بموقع خود از طرف دیگر دولت انگلیس هم بمناسبات پلنیک و رقابتی که در سیاست و تجارت با آلمان که حلیف عنایت دارد، خصوصاً در مسئله راه آهن بغداد بی میل بگوش مالی عنانی خصوصاً در عراق حرب نمیشد، و هرگاه جنگ بین ما و عنانی درگیرد بمساعدات پلنیک کرده و تأییدات سری با خواهد داد، که عراق حرب را از قبضه عنانی ببرد بماند بیرون آریم، (بقیه در صفحه ۲۶ همین شماره)

احوال این ملت ستم دیده وارد گشته آنها را به بجان آورد، و مقتضیات زمان هم تا چند انداز کمک کرد، و آنها را بطلب عدالتخانه در آخر بمشروطیت برانگیخت و بمواد رسانید، چند ماهی هم پیش آمد امور بکمال خوبی و خوشی بود و نه تنها خود اهالی مملکت بلکه بیگانگان هم از اعمال و حرکت ملت امیدوار گشته سعادت و نجات ایشانرا متعتم می پنداشتند -

ورود امین السطان و کارهاییکه بعد از آمدن خود بایران کرد نه تنها امور داخله را مفشوش و مات را از کار پس انداخت، بلکه روابط خارجه را هم خیلی برهم زده باعث تشویق انعقاد و معاهده روس و انگلیس گشت - گویا این مرد خود را مأمور بامر دیگران میدانسته، و حصول فاسد برای ایران را از تکالیف مهمه خود می پنداشته، بهر جهه بعد از قتل او هم آثار اعمالش بر طرف نشده، در گوشه و کنار مملکت نازه عصیان و بغاوت برپا شده، و مأمورین او از رعایت دستورالعملهایش چشم پوشیده، گویا تصور دارند که باز همان دوره بر سر کار خواهد آمد -

در این حبس و پهن که ایرایش از هر جهه بخود مشغول بودند يك دولتيكه رأس رئیس خود را (امیرالمؤمنین) و هیئت جامعه خود را حامی اسلام میدانند با عدم حقانیت تجاوز بسرحد ایران نموده، چون در اول حمله هیچ مقاومت و مخالفتی ندید تجدید تجاوز را مفتهم شمرده، بر-ایل و دسایس متفاوت خود را در این کار محقق دانست، و باعث اشتغال خاطر ملت و دولت ایران شد، چندی نگذشت که انعقاد و معاهده روس و انگلیس بوقوع پیوست، و يك مرتبه تشویش بزرگی برای اهالی این مملکت فراهم کرد، از اشتغال بکاری فوری و مدافعه از غنیم خارجی و اصلاح نقائص مهمه خود باز داشت، ثباین و اختلاف حاصله میان ملت و زعماء قوم هم سر بار این مصائب شده، اوضاعی فراهم نموده که هیئت ملت از دانستن تکلیف خود حیران، دولت در وضع حالیه کار خرد سرگردان، داخله مملکت از هر طرف پر آشوب، ثروت مادی و معنوی مملکت ممدوم یا نا معلوم، خطرات بزرگ بالنسبه بدولت و ملت در استنبال میباشد

- تجاوز خارجی در سرحد و اغتشاش داخله مملکت

و فساد امور هر جا برای بیدار کردن ملت کافی نبود و وقتی اندکی بسر خانه عقل آمدند که فهمیدند معاهده روس و انگلیس انعقاد یافته، اینجا قدری حرکت کردند، و امراء و سران قوم از نخوت و غرور خود نادم شده متفقاً اتحاد با ملت را سوگند یاد کردند اما این اقدام خیلی دیر آمد، یعنی وقتی آمد که افراد ملت از آثار استبداد بجان آمده ناله و افغان بگل رسانیده بودند،

وقتی آمد که دیگر بی هیچ مدافعه آخرین نفس این ملت ستم دیده و کاردار باستخوان آمده، وقتی آمد که اقتدارات دولت از هر حیثیت کاسته، و این هیئت ملت را دیگر هیچ ثروت مادی و معنوی نمانده، وقتی آمد که معلوم بود اگر نهی آمد اضمحلال ایران حتی الوقوع و نتائج آن اضمحلال تا چند اندازه در اذهان مردم جاگیر شده

وقتی آمد که صفحه مملکت بر از آشوب، افراد ملت مخدول و منکوب، کیسه رعیت نکلی خالی و تهی، خزینه دولت از کیسه رعیت خالی تر بود و قتیکه معاهده روس و انگلیس عالمگیر شد ملت ما ایرانیان قدری از خواب خود بیدار شده، در نهایت آلودگی فهمیدند که فی الواقع بر حسب تدریج در هر قرن از قرون اخیره این ملت قدیمه طبقه بطبقه و طایفه بطایفه از مقام اعلای بزرگی بخلاف پستی و تنگدستی هبوط کرده، و در عرض هبوط خود همه نوع بدبختیهای فوق تصور دوجار و گرفتار گشته، پس از نزول خود در دایره تنزل هم پورطه امراض افتاده، و اکنون در دست اجل گرفتار آمده، در نقطه احتضار و نزع روح مانده اند

خوب، در همچو موقعیکه سیل بدبختی و بلا از هر طرف زور آور شده، و بتقیده بعضی خردمندان فرصت نجات و امید سلامت برای این ملت و مملکت نمانده، و اثر مملکت و اضمحلال از شش جهه ظاهر گشته و بعبادت مختصر مریض در حال احتضار افتاده تکلیف چیست؟ و راه علاج کدام است؟

نمیگویم معاهده روس و انگلیس بکلی ترقی و سعادت ایران را خاتمه داده، فقط همان رعیت و هراسی که در دل این ملت تازه بیدار شده می اندازند

برای تزل ایشان کافی است، و آنها را از هر کار باز میدارد
نمیگویم مقصود اصلی انعقاد این معاهده جز
تقسیم ایران چیزی دیگر نیست، و هر چه برخلاف این
حرف گفته شود جز دروغ صرف و اشتباهکاری
بین نخواهد بود

نمیگویم (ماداکسگار) او نل اضمحلالش مثل حالیه
ما بود، و گویا استقبال ما مانند معسر و مراکو یا پولند
و بخارا یا هند و قفقاز باشد، بلکه چون شکاریان دوتا
هستند در فشار آنها احوالمان بدتر آن ممالک خواهد بود،
نمیگویم این در دولت متعاهد بزودی بواسطه
حکمت علی عالیه و گمرکات ما را بچنگ خود آورده
روح ذلت و عبودیت را در نفوس ملت پرورش
خواهند داد و یکمرتبه اولیاء امور را از کار بیکار کرده
اسم آنان را از لوحه آدمیت محو خواهند کرد

نمیگویم نتایج فوق باعث برپادی مذهب ما شده
بزودی ما اسلام را از ایران برمیاندازد، و دیگر نه
از حجة اسلام خبر میداند و نه از نایب الامام
باکه میگویم بگیرم این معاهده هیچ ربط و
روحی بهاداره، و فقط مناقشات بین دولتیین متعاهدین
را رفع و دفع نموده، و چیزی را که فباین خودشان
ما به النزاع مبد استند تصفیه و ختم کرده اند، و انشاء الله
نتیجه بدی ما نخواهد داشت ولی میپرسم آیا
برای ملت ایران ممکن میسر است که در این
بدبختی و تزل حالیه و چارسویی ادبار و منجلاب
نکبت بماند، و حال آنکه اطراف خود همسایگان
قوی بجه و حریفان بر زور دارند؟ نه آیا کار ما
میگذرد باینکه ملت دست روی دست نهاده در طریق
خیر و سعادت خود نکوشند، و بگذارند که ثروت آنها
بکلی از دست رفت، بعد از آنکه مدتی بواسطه فقر و
فاقه مضمحل و مستهلك شوند؟ لا والله

آیا میتوان گفت این اوضاع حالیه ایران و آن
اغتشاشات داخلی و آن تسایر و اختلافات رؤساء قوم
و وفور بدبختی و نکبت از هر جانب و ظهور امراض
سخت مستلزم هلاکت نیست؟ نه بخدا -

آیا کسی تواند ادعا کند که مقتضیات حالیه با یک
قرن قبل تفاوتی نکرده و همه بیک نهج و سیاق
میباشند، و حالطور که از آنوقت تا بحال این ملت و

دولت کلیم خود را از آب کشیده اند حالام
میتوانند؟ نه قسم بذات پروردگار

صحیح است علاج این واقعات را چه باید کرد؟ آیا
امتیازات و عطایات بولتیک لازم داریم که هنوز از
دولت بگیریم یا اینکه ضرورتان با اصلاحات بیشتر است؟
خیر امتیازات بولتیک بقدر لزوم حاصل نموده ایم
و بالفعل چیزی که ما از عدمش تا این اداره به تنگ آمده
ایم همان اصلاحات است که در اینموقع خطیر تاریخی
لزومش بدرجه کمال است، اصلاحاتی که بالفعل از همه
چیز مهم تر و ضرور تر است اینها هستند -

(۱) تجهیز عساکر ملی بطرز و سیاق جدید
(منافع این اصلاح بر هر کس اظهر من الشمس است،
و بدون تشکیل اردوهای ملی که عبارت از زبر سلاح
آوردن ملت است) هزار نادر و ناپلیون و صد
هزار امیر کبیر و بسهارك آزادی ایران را مصون
نمواند داشت.

(۲) احراه تعلیم اجباری تا شاید این همه رنگ
غفلت و جهالت و سادگی از قلوب این ملت بدبخت -
زدوده شود

(۳) اتدق ملت و دولت در نجات دادن خودشان،
و انضباط امور داخلی و ممانعت اغتشاشات در هر
نقطه که همین بی اتفاتی خبیلی موجب رسوائی و
ننگ ایران شده

(۴) ایجاد بانک ملی هر چه زود تر با قواعد
صحیحه و مراقبت نامه که باعث اعتماد ملت شود
(۵) تشه یق ایجاد کتابیه های بزرگ ملی که درین
مملکت دائر و شروع باعمال تجارقی بشود، شاید این قدر
در فشار احتیاجات مارجیه نخته بند نیایم.

(۶) پرداختن قرض هنگفت دولت ولو بوسیله
اینکه جواهرات مخزونه دولتی را بفروش رسانیده،
و جهش را در نادیه قرض پردازند

(۷) کار کردن شورای ملی بنزیب و نظام صحیح

(۸) کار کردن قوه اجرائیه بدون قلب و گول

و مدافعه

(۹) گرفتن قرض از داخله ملت ولو اینکه باطایه

عمومی باشد و صرف نمودن آن بخواج ضروریه دولت

(۱۰) اخذ قشون احتیاطی از ایلات بزرگ

ایران و دخول وکلاء ایلات در دارالشورای ملی
(۱۱) تهیه استمداد حربیه بطرفی که تحت داشته
باشد نه فقط اسم بلا رسم باشد -

(۱۲) مرادات موقی اجانب و ندادن مهانه بدست
آنها ولو به برداشت از احببافاتشان باشد که امروزه
مرادات این نکته برای ایرانیان اشد ضرورت است
تمام این اصلاحات برای ایران چنان ضرور است
که میتوان گفت حیات ملت و دولت و ترقی و سعادت
آنها ملوط بهمین است ، و تمام این اصلاحات بسته و
متعلق باینست که دولت و ملت با یکدیگر اتفاق صحیح
حاصل نموده ، خیر و شر خود را بفهمند ، و زیاده
بر این درخانه جنگی که باعث انهدام اساس آنهاست
مشغول نگشته ، هرچه زودتر دست بکارهاییکه آنها را
از مهاکه نجات میدهد بزنند ، اگر بخواهند از حال
الی بعد هم مانند سابق الی حال رفتار نمایند و در
رخاوت و سستی ساکن باشند ، بیفین روزی خواهد آمد
که تأسف و ندامت سودی نخواهد داشت ، همچنانکه
حالا ندارد -
خادم وطن (م - د)

آبیت مظلومیت

(راجع به شماره ۲۳)

حلاسه - وقتیکه بر در قورخانه رفته میدیدم تمام
صاحب منصبان نشسته ، همینکه چشم شان بر بنده
می افتاد از راه تمسخر در زرب لب با همدیگر سخن
میگفتند ،

یکی میگفت آقای طهران آمده ، دیگری
میخندید نه حضرت والا مخترع الدوله است ، سیمی اشاره
لقمه باید گرفت تا عبرت دیگران شود که بعد از این
هیچکس به چنین خیال های خام بیفتد ، مگر ما غیرت
نداریم ؟ مگر ما بجه طهران نیستیم ؟ که يك نفر
آذربایجانی بیاید فردا در بالا دست ما بنشیند ؟ بنده
این توهینات را با قهر خنده برد باری میگردم ، مثل
آدم خطا کرده سر بردوش حیران حیران بروی این
و آن نگاه می نمودم ، از آنجا برخاسته در خانه آقا
بالا خان سردار میرتم ، نیز انواع و اقسام بی اعتنائ و
بی احترامی در آنجا میدیدم ، و خودم را نه تجامل
بیزدم ،

ماقبت بعد از گفت و شنود بسیار و آمدوشد زیاد

سردار افغم بیست و نه تومان قبض از بابت مخارج توب
جدید الاختراع باداره جناب ارباب جمشید حوله داد
و فرمود برو مشغول باش ، هفته به هفته صورت حساب
بنویس تا حواله بدهم ، اگر چه بنده میدانم
که مال کار بکجا خواهد انجامید ، ولی ناچار رفته
با غلامحسین خان مشغول شده ، در هفته اول مخارج
رسید به چهل پنج تومان ، صورت حساب نوشته
فرستادم ، فرمود هفته آینده حواله میدهم ، هفته
آینده فرستاهم ، فرمود ماه آینده میدهم ، بنده
فهمیدم که سردار با این بیست و نه تومان بای مرا
به فورخانه دولت ، و خودش در رفت ، دیگر نه پول
و نه مصالح میدهد ، بنده بعد از چهل روز رقم
به (نیاوران) شمران ، به وزیر دربار عرض کردم
که اگر شاه بنده را آورده است که توب بسازم و
دست خط مایونی صادر شده است که بنده از هر قبیل
مصالح با هر چه بخواهم حاضر نمایم فقط سردار بیست
و نه تومان حواله داده دیگر نه پول میدهد و
نه مصالح ، چاره بنده چیست ؟

وزیر دربار ندی نگاه به بنده کرده گفت ،
شما که توب ساختن بلد نه بودی چرا به طهران
آمدی ، در اینجا شاه از سردار پرسید که مخترع مشغول
است یا نه ، عرض کرد فرمان هر چه میخواست داده
شد و پول هم دادم ، چاره حلیط است توب ساختن
بلد نیست ، میدانم این اختراع را کی کرده بدست او
داده است .

همینکه این مطلب را از وزیر دربار شنیدم ، ساعتی
مدهوشانه بخود فرورفته بعد بهوش آمده دیدم عجب
در ششدر وطن مازی ماتم ، خوب نمی کاشته اند ، با
آنکه شاه مرحوم از کیاست و فراست فطری باور
فرموده بود ، میدانم این سلطان خلد آشیان چه
قدر شرم حضور داشت ، آیا این سردار برهنه خیال
نکرد که در اطراف ظلم بسی مردمان نازک بین و
سخن شناس هستند ،

با! شایا بخدا ، ای کسانیکه مطلب را حلاجی و
موشکافی کرده در میزان وجدان موازنه می نمایند ،
کسیکه شما نخواهد از این پهلو بدان پهلو بطلاند فکر بکند
پول سوخت نباید در آخر يك خلال دندان اختراع بکند

آن را به پدرش هم نمی دهد، پس کدام دیوانه است که يك سال تمام زحمت بکشد، مبالغی خرج در عهده بگیرد يك نوبت مسلسل اختراع نماید که مطبوع عالم بشود، آن را به دیگری بدهد که من از شرف و نام و ناموس و خدمت بوطن خوشم نمی آید، پس اگر چنین است که دیگری اختراع کرده به من داده است لا محاله این گونه نظران که انواع اقسام شایات هائیکه بر بنده وارد میکنند خوب است یکی از این توهینات را با آنکس نمایند که اختراع خود را به من داده است، مثلاً یکی میگوید خیط باشی، شنیدم طهران خیلی قرض آورده اید، دیگری گوید، غصه مخور مستمری که شاه مرحمت فرموده اولاد در اولاد آسوده و قرض را خواهی داد،

بمال شد وجود من از طمن و سرزنش

وقتست ایسے اجل که بیان بسیاریم

خلاصه - از مطلب دورماندیم، به وزیر دربار عرض کردم از انصاف شما دوراست که با این حرفها گوش بدهید، اگر من از عهده اختراع خود بر نمی آمدم از کلکته تا بامریکا اعلان نمیکردم، حال قورخانه که دور نیست، يك نفر آدم امین بفرستید تحقیق نمایند، سردار غیر از بیست و نه تومان بمن چه داده است؟ که دو ماه است معطل هستم، که حضوراً به اعلیحضرت این همه دروغ عرض میکند،

در جواب گفت من این ها را نمی دانم، اگر شما راست میگوئید برو هر چه مخارج دارد خودت بگذار و تمام کن، آن وقت من از اعلیحضرت مخارج شما را میگیرم، با آنکه میدانست من پول ندارم و مقتدر هم نیستم، عرض کردم شما در عهده می شناسید که مخارج من از میان نرود، فرمود، بلی.

خلاصه بنده لاعلاج بر گشتم، خانه ماکی خود را بیع شرط گذاشته، شش صد تومان قرض کردم، آخر چه باید کرد؟ کسیکه در سایه عنایت دولت صاحب چند ضرور تروت شده در این موقع چه صورت دارد که این مخارج را بعهده من حواله بدهد، گویا مرا به تنگ فجر بگذارد، اگر من بگویم که از عهده این مخارج نمی توانم برآیم، آن وقت میگوید حالت سردار راست میگفت، حالا ملاحظه فرمائید آیا دماغ

این جور اشخاص از طاق کسری بلند تر است یا نه؟ کسی که لذت و معنی حب وطن را میداند، میداند که باید در راه وطن با مال و جان بازی کرد آنکه درین راه دست از جان سیرین خود شسته مگر از باده حب وطن مست نشده اند، و میخواهند در عالم مسق با شاهد وطن هم آغوش بشوند، مگر اینها غیر از فعل عشق بازی وطن نیست؟ اگر در سیاست وطن بازی قانون اول خود کشی و جانب شاری نیست، پس چرا این همه وطن پرستان خون عزیز خویش را بر جام بلا ریخته السبیل میگویند؟ چنانکه عباس آقا نوجوان مجاهد تا مراد از دنیا با مراد از عقبی نوجوانی خویش را در راه وطن و ملت فدا کرد،

امروز جا دارد که تمام مخدرات و برده نشینان وطن عزیز را در ماتم این نوجوان گیسو بکنند، چرا که معجز دختران و هموسان وطن را از دست سربازان خارجه گرفت،

اگر چه این ماده تاریخ در حق این مجاهد حقیقی گردون نشین لیاقت ندارد، ولی بای مانع پیش سلیمان بودن است،

(جو دید دیده عباس ظلم شد افزون)

(بیدل جان خودش خالق را رها نمود)

(هزار و سیصد و بیست و پنج از هجرت)

(گذشته جان خودش بوطن فدا نمود)

اگر چه برای اهل غیرت خیلی دشوار است که دشمن از راه قهر و غلبه با تنگ توپ و تفنگ شادی کنان مثل سیل از سرحد وطن هجوم آور بشود، نمی دانم حال پیوه زنان آن مملکت چه میشود، اگر چه به حال خائین دولت ما تفاوت نمی کند، اگر دشمن نیاید ما دشمن را صدا کرده دختران قوجانی را با آنها میفرروشیم، تا اینجا هر چه مطالب دم بریده و الفاظ بی ربط و عبارات نامناسب قلمی و عرض شد همه را باید قارئین محترم باغضاض بگذرانند، چرا که با این پریشان خاطری و دل شکستگی انسان چگونه مقید به عبارت سازی میشود، بنده هنر بعد را هم از حلال میخواهم چونکه رسیدم بر سر مصیبت عظیم این جوان

(چون زخم تازه دوخته از خون لبالم)

(ای وای اگر به شکوه شود آشنا لبم)

بعد از آنکه ششصد تومان قرض کرده و حاضر نمود رفتم به قورخانه ، با غلامحسین خان گفتم برادر من مجبور شدم ، باید مخارج این توپ را خودم گذاشته با تمام برسانم ، چونکه من از گفته های آن شخص معهود مخوف و متزدد بودم خواستم اطمینان حاصل نمایم ، لذا گفتم غلامحسین خان شما را قسم میدهم بآن خدائی که می برستی اول به ولی نعمت ایرانیان ، ثانی به حقوق وطن عزیز ، ثالث به من غریب طبایعت نکلی ! بحدائقم من این پول را قرض کردم ، در جواب گفت به خوف ناحق سیدالشهدا ، به ولایت امیرالمؤمنین به ارواح سرتیب مرحوم قسم که من يك سرمو به شما و به توپ شما طبایعت نخواهم کرد ، فیداتم کسبکه بولایت امیرالمؤمنین (ع) قسم دووخ بخورد ، البته سخن شناسان چنین ذات را خوب می شناسند چنانکه در ذیل مقاله معلوم خواهد شد

گفتم - اول باید اندازه قالب ها را بدهم از چوب بسازند ، بعد از آن مشغول بریختن و ساختن بشوم ، غلامحسین خان گفت در قالب ساختن چندان اهمیت ندارد ، شما باید روزی سه تومان مزد بدهید ، گفتم عیب ندارد بسدازچند روز قالب ها حاضر شد ، حالا در اینجا باید فہمید که در بین صنعت کاران چنانکه معمول است اگر چیزی ریخته بخواهند بریزند اول قالبش را در ترازو میزان می نمایند ، آن وقت معلوم میشود که چه قدر مصالح لازم دارد ، مثلاً اگر قالب يك من باشد ده مقابل او مصالح حساب می کنند ،

بنده اندازه دادم چهار قالب از چوب ساختند ، قالب اولی یکمن ، دومی سه چارک ، سیمی و چهارمی هر يك پنج سیر ، گفتم این اولی را شانزده من بریزید که دوازده من از کار در آمده باشد ، و چهار هفتس به تراش برود ، هر چهار قالب را ریختند ، گفتم بیاورید ملاحظه نمایم ، آوردند ، اولی را کشیدیم سی و شش من ، دومی را ملاحظه نمودیم بیست و شش من ، دوازده دیگر را کشیدیم هر يك هشت من شده ، بنده به دقت حساب کرده دادم چهل و هشت من بخود اضافه هست ، بجهت آنکه اولاً باید ازقراریکمن بیست و پنج هزار پول بدهم و حال آنکه در بازار دو تومان بود ، در ثانی باید روزی سه تومان

مزد بدهم ، بنده بنای ماد و فریاد را گذاشته گفتم ، ای بیروت این چه حیاتی بود که دراول کار به من کردی ، اگر چنین باشدشما در آخر خانه مرا طراب خواهی کرد ، حال که چنین است من با شما نارنجی کنم ، در جواب گفته آقا جان اوقات تلخی لازم ندارد اگر چشم شما ترسان است بیا مقاطعه نمایم ، شما آسوده باشید ، گفتم عیب ندارد و سندی فی مابین نوشته شد ، حاصل مضمون سند این بود ، غلامحسین خان و عباس پسران میرزا محمدخان بك دستگاه توپ جدیدالاختراع از مشہدی محمد جعفر مخترع قبول و مقاطعه نمودیم به دوپست تومان که بعدت دو ماه تمام مطابق نوبت طرح مخترع بدون عیب و عات تسلیم نمایم ، بشرط آنکه دوپست تومان را مخترع در چهار قسط برداشت نماید ، سوائی از مخارج که در اول کار خود مخترع گذاشته ، بعد از قبول ورد سند مشغول شدند .

عنی نماید به دوپست تومان توپ تمام نمیشود ، چونکه اول از توپخانه مبارکه بك دستگاه توپ دهن برگرفته که توله اش را بریده در شکل اختراع خود بسازیم ، ملاحظه شد دینیم این توله باید دو مرتب آب شود کارحالی زحمت دارد ، آن را در کارخانه غلامحسین خان گذاشته از سردار بك توله نیمه کاره گرفته ، به کار بردیم ، این مخارج اولی همان است ،

باری مشغول شدند ، بعد از چند روز سردار از شمران آمد ، از قورخانه به سردار راپورت دادند که اینك مخترع از جیب خود مشغول ساختن توپ است ، دیدم بك فقر آدم سردار آمد ، گفتم غلامحسین خان سردار شما را میخواهد ، غلامحسین خان به من گفت بجهت کارشها میخواهد ، گفتم نباید ، اگر سردار راضی نباشد که در قورخانه دولتی کار بکنم میبرم در جای دیگری سازم ، خلاصه رفت و عصر برگشت ، برادرش را صدا کرد ، در بیرون کارخانه با همدیگر طولانی بجواب کردند باز آمده مشغول کار شدند ، آن روز را گذرانیدیم ، فردا شد ، باز مشغول شدند ، من دیدم از امروز کارها همه وارونه می آید ، من مطلب را ندیده دانسته ، و گفتم برادر امروز چهل کرور نفوس ایران چشم در راه و گوش بزنگ هستند ، که آیا حال کار مخترع و توپ جدیدالاختراع او بکجا انجامد ، بیاید اولاً قوت چهل

کرور نفوس را بر خود قبول نکنید ، و تائباً بک خال
 حجات ابدی بر پدشانی صاحب منصبان دواقنه نگذارید ،
 ثالثاً تشنه نادانی را بر پای خود نیندازید ، امروز بر
 من لازم است این نصایح مشفقانه را بشما بکنم ، چرا
 که بشبانی فرما سودی ندارد

در جواب گفت آقا جان ، ما به شما چه کردیم که
 این حرفها را میگوئید ، بگذار ما کار بکنیم ، هر وقت
 که به شما خیانت کردیم ، آن وقت حق داری هر چه
 بگویی ، گفت عیب ندارد ،

بعد از چند روزی دیدم توب را همدام محبوب می سازند ،
 من از دست شان گرفته گفتم نمیشود و نمی گذارم کار
 مرا معیوب نمایند ، گفت اگر توب از اینجا عیب کرد
 در عهده من باشد ، گفتم خیلی خوب ، بلکه سندی
 که اگر از اینجا عیب کرد بمهده شما باشد گفتم سندی
 لازم ندارد ، باز گفتم برادر بخدا قسم شما درس را
 غلط خوانده ، و راه را از چاه کم کرده اید ، بیایید
 و کلاه خود را قاضی کرده فکر بکنید و تعمق نمایید ،
 برای شما چه مصاحبت است که بمحوشنودی خاطر
 دیگران به لغت ابدی ملت دوچار بشوید ، هرگاه این
 خدمت را بخوبی بسر برده باشید البته مورد الطاف
 و عنایت پادشاه قدر دان میگردید ، در جواب گفت ،
 اما آقای مخترع خیلی نقل داری ، و خیلی زورنگی به
 طرح میدی ، ما از این شیوه ها خیلی میدانیم ما بیجه
 ظهار هستیم ، گفتم حال که چنین است نمی گذارم شما
 کار نکنید ، در جواب گفت ، اگر شاه بیاید نمی تواند با
 من سر بسر بگذارد ، دیدم معامله من با این مرد
 عجب نزدیک است ،

خلاصه ، اوقات تلخی شد دعوای عظیم کردم ،
 مصاحبین شراندیش میانهی گری کرده ، من رفتم در
 حیاط کارخانه نشسته فکر میکردم که چه باید کرد ،
 دیدم شخصی یواش یواش بطرف من آمده نشست ،
 گفت برادر بخودت حیفت بیاید ، شما غریب هستی
 بر جان خود رحم بکن ، شما میدان بر این ها چه
 تخریب است ، اولاً هر چه بتواند پول بگیرند ، و
 توب را هم تمام نکنند ، اگر چه دو سال بکشد تا شما
 به تنگ آمده فرار نمانی ، اگر بیشتر از این اسرار کنی
 هم خودت وهم صنعتت را نیست و نابود و مفقود

الانر نمایند

آن شخص از خیالات فاسده آنان به بنده آگاهی
 داده ، از استماع خیالات و تدابیر آنها گویا بنده در آسمان
 بود زمین افتاده ، گفتم خداوند این چه بلای عظیم
 و یا چه حارثه غریب است ، که دچار من بدبخت شده ،

پیش خود گفتم باید تدبیری اندیشید که
 بنادانی در افتادم در پی نام
 بدانان در آیم من سرانجام

غیر از این چاره ندیده که خود را به نجاهل زده
 که من هیچ نمیدانم ، که اینان چه میسازند ، بلکه بدین
 وسیله هیکل توب ساخته گردد ، اگر چه معیوب هم
 باشد ، پس از آنکه حاضر شد ، البته درین پای نخت
 پنج نفر استاد کامل یا صاحب منصبان ماهر هستند
 فیابین ماحکم نمایند ، باز بکار خواه آمده بفلام حسین
 خان اظهار داشتم این همه اوقات تلخی من به از جهة
 توب است بلکه ازین دو جهة است که عرض میشود
 اول آنکه شما در اول کار قسم یاد کردی که به
 بنده خیانت نکنید

دوم آنکه از مکتوبات تبریز اطلاع ندارید ،
 مکتوبیکه آن هفته رسیده بود ارائه نموده قسم دادم
 که ملاحظه نماید ، هرگاه این مکتوب را بهودی خواند
 بحال من رحم آورد ، شما که الحمد لله مسلم هستید ، گویا
 بعضی از مضامین مکتوب این بود ، که همسایه نوشته بود
 برادر عزیز این چه حسن خدمتی است که بدولت
 کردی ، الحال شاه است که رفته و دیناری برای مخارج
 خانات قمرشاده ، بیچاره و اهل عیالت تا بحال قرض
 کرده مصرف کرده اند ، حالا کسی دیگر قرضم میدهد ،
 کم کم با سبب مخلفات خانات زحمت میدهند ، اگر مشغول
 کسب پول بودی اینگونه متضرر و خانه خراب نمی
 گشتی ، از این ها گذشته حالت طفل شش ساله ات
 جگر ما را تپسب میکند ، عصرها که مراجعت بخانه
 میمانیم می بینم این طفل شیرین زبان تو گردن کج کرده
 دم در ایستاده بر دامن ما چسبیده ، انواع و اقسام
 بیانات و کلامات ادا میباید ، که ما را بگریه می اندازد ،
 گاه میگوید شما آمدید چرا پدرم نیامد ، و کی خواهد
 آمد ؟ بعضی اوقات احباب او را دلداری داده بقل کرده
 بخانه میبرند ، و تسلی میدهند ، بهتر این است بیانی

عیالت را بطهران ببری تا آسوده شویم
 خلاصه بعد از قرائت مکتوب قاه قاه خندید
 و گفت ، مرحوم امین الدوله بفرمود کارها بطبیعت
 درست می شود ، اما آقای مخترع ، در اختراع شما هیچ
 حرفی و عیبی نیست ، مگر اینکه ما در بدو امر مانقت
 نشدیم . شما در اختراع خود صرفه دوات را ملاحظه
 کرده راه مداخل بجهت رئیس و مرؤس نگذاشته اید ،
 مثلاً توپهای قدیم را آب کرده با سیصد تومان مخرج
 بدین اسلوب بسازیم ، آنوقت برای ما چه فایده دارد ؟
 هنگامیکه از دیوان کاری با رجوع می شود چند ملاحظه
 مینمایم ، چه اول باید رئیس بعد مستوفی بعد کارگران
 مداخل نمایند ، آنوقت قبول میکنیم ، چنانچه وفق در
 محارت گلستان شاهنشاهی جای از مجسمه شکسته بود ،
 شاه سردار امر فرمود در فورخانه دواقی ساخته شود ،
 سردار به سی شاهی مصارف آنرا ساخته و سی تومان
 برات صادر نمود ، ما این طور کار میکنیم ، این است
 این عمل شما از عدم دخل پیشرفت نمی کند ،

گفتم بسیار خوب ، شما مشغول شده ابتکار را
 با تمام برسانید بعد اگر بنشیند دولت باز ازین توپها بسازد
 بنده مداخله میکنم ، بطور دلخواه خودتان رفتار نمایند .
 ثبوت پس از آنکه دیوان بار دید نمود دیناری
 علاوه بر دهم ، باری مشغول شدند ، بنده به اطاق
 نظام را دیدم جناب آقای آقا میرزا سید صادق مدیر
 محترم ، در نامه مجلس يك پاك ت به بنده دادند ، خوانده ،
 دیدم توصیف شهریاری است بدین مضمون ، مشیرالدوله
 بمحضرت والا نایب السلطنه سبه سالار عرض کرده است
 (قربان حضور مبارکت کردم ، مشهدی محمد جعفر
 مخترع که صنعت او در پیشگاه اعلیحضرت شهریاری
 محل تمجید واقع شد لهذا حسب الامر قدر قدرت
 جسارت مینماید ، مشارالیه را حاضر نموده با امر و عمل
 او انجام بدهید (مشیرالدوله)

پاکت را بجاجی میرزا ابراهیم وکیل صنف خیباط
 داده که بمحضرت والا نایب السلطنه داده جواب بگیرد ،
 بعد گفت باسکت را دادم ، بعد از ملاحظه سردار
 دادند او هم خوانده نگاه داشت .

باری چون شرح و بسط ده ماهه ریاضت قور
 خانه مبارکه باعث طول کلام می شود ، لهذا ازین مطلب

دلخراش صرف نظر کرده به نتیجه پردازیم ، و در
 موقع توفیق طهران مختصراً بن مطالب و درجریده
 مبارکه ندای وطن گوشزد هموطنان محترم کردم ،
 خلاصه زمانیکه میدان تقاب ایشان وسیع شد ، هر
 طرف که خواستند توسن نهاد و غرض را جولان دادند ،
 مثلاً بنده از اول روز تاشام در کار خانه نشسته بکار
 آنها نگاه کرده خون از دلم میرفت ، ده ماه تمام بنده را
 معطل کرده با صد تومان از بنده پول تقد گرفته ، پس
 از ده ماه توپ تمام شد ، غلام حسین خان گفت بیا
 آقا جان از ماضی سندی ، گفتم دست و بجه نال
 درد نکند

بعد قلم را برداشته هیویات قار آنها را يك بيك
 نوشته بیست و يك عیب عمداً بکار برده بودند ، چنانچه
 الحال در قورخانه موجود است ، باری با نهایت یأس
 رفته در حجره خیاطی که در سرای حاجب الدوله
 داشت نشسته ، پس از دو روز شخصی وارد شده و
 گفت ، خبرداری دیروز عمل توپ بکجا منجر شد؟ گفتم
 خیر ، گفتم دیروز صاحب منصبان قورخانه جمع شده
 توپ را از نظر نایب السلطنه گذرایند گفتم ، نباید
 چنین امری واقع شده باشد ، که بدون اطلاع و حضور
 بنده که مخترع آن هستم ببرند ، بی اختیار برخاسته در
 اطاق نظام بحضور حضرت والا نایب السلطنه شرفیاب
 شده ، فرمودند چه میگوئی؟ عرض کردم امر فرمائید
 توپ را در حضور مبارک حاضر سازند ، فرمود دیروز
 دیدم ، عرض کردم بفرمائید توپ را حاضر کنند ، عرضی
 دارم ، فرمودند دیروز دیدم ، بار عرض کردم شنیدم
 فرمودید دیروز دیدم ، امر فرمائید توپ را بیاورند
 عرضی دارم ، فرمودند بسیار خوب بیاورند ، کلیه
 صاحب منصبان توپخانه و قورخانه حاضر بودند ، آقا
 از مالار بحیاط قورخانه تشریف آوردند ، گفتم نمونه
 وقاب های که من اختراع کرده ساخته بآنها داده بودم
 حاضر کنند ، کردند ، تمامی صاحب منصبان گفتم آقایان
 درست به ریاض بنده متوجه باشید ، فردا نگویند که
 مخترع بعضی حرفها گفتم ، ملتفت نشدیم ، بعد به آقا
 عرض کردم ، بعد از آنکه اعلیحضرت شهریاری
 فرمودند این اختراع جدید را سردار حاضر داده
 قبض بگیر که در قورخانه مبارکه بدون کم و زیاد

مثل نمونه که بنده اندازه بدیم ، یک توب بزرگ بسازند ، این سردار حاضر صاحب منصبان قورخانه را جمع نموده فرمود ، این نمونه را اعلیحضرت شهریاری فرستاده و مقرر فرموده اند ، که ما از روی همین نمونه یک توب بزرگ بسازیم ، شها استاد کارخانه دولتی هستید بدقت ملاحظه و غور نماید ، اگر خوب است اقدام شود ، و اگر بدرد نمی آید عرض برساند ،

تمامی استادان و غلام حسین خان و عباس خان تصدیق کردند که این اختراع مفید و بسیار تعریف دارد ، مشارالیه که حاضر بودند سنده بنده داده که مطابق همین نمونه بدون کم و زیاد یک توب بزرگ بسازند ، اولاً کاریک و نیم ماه را ده ماه کردند حرفی ندارم ، ثانیاً عوض یکصد و بیست تومان مخارج پانصد تومان گرفتند ، عرضی نمیکنم ، ثالثاً اطاعت امر همایونی را نکردند نمیگویم چرا توب حاضر است ،

۱ روز هرچه در دل دارم میتوانم با کمال جرات و درشتی عرض رسانم ، تا حضرت والا متغیر شده از روی غضب حکم فرمایند سر مرا پای همین اختراع ببرند ، دیگر این زندگانی برای من حرام است ، بجهت اینکه خائن دولت و ملت حقوق مرا ضایع کرده ، خدمت مرا مهمل گذاردند .

رو بحضرت والا نموده عرض کردم این اختراعی است که شده و این همه اسباب و علل آن که در آن تعبیه داده البته هر کدام در جای خود کالی دارد ، و بوجهت نیست ، بعد انگشتم را بروی یکی از علامات نمونه گذاشته سؤال کردم ، این علامت در این توب بزرگی که ساخته شده هست ؟ آقا نگاه کرده فرمود خیر ، علامت دیگر اسباب دیگر هرچه پرسیدم ملاحظه فرموده فرمودند نیست ، بعد عرض کردم سر تا با خلاف نمونه را ساخته اند ، بعد قالب های یک جبهه نمونه ساخته بآنها داده بودم حاضر کرده نشان دادم ، آیا این علامت توب بزرگ مطابق این نمونه ها است یا نه ؟ فرمودند خیر ، مطابق نیست ، بعد نه توب را که مخصوصاً معیوب ساخته بودند نشان دادم ، بدقت ملاحظه فرموده فرمودند خیلی معیوب است ، عرض کردم برای این معایب است که به حضرت والا که سبب الار ابرائید بنده از حیانت آنها عارضم ، احقاق حق

فرمایند ، پس از مشاهده این همه حیانت آنها دیگر عمل اغراض و تردید نیست ، با اینکه از طرف دولت مواجب و مستمری و امتیاز و خلعت به بنده مرحمت نشده و بنده مبنای قرض کرده در راه دولت و ملت خدمت کردم ، منافی عدل و انصاف است امر بدین واضعی را اغراض و برده پوشی نمایند ، در این وقع گریه منتهولی و کلوگیرم شد رو بصاحب منصبان نوبخانه مکرده ، - گفتم ای سرکردگان غیور ایران ، آیامن شما و وطن مقدس خدمت نکردم ؟ چند صد نفر ایستاده نظاره می کنید ، کسی بیاری من رفتی آید ، باوجودیکه آشکار می بینید و میدانید ظلمیکه من وارد آمده باحدی نشده است ، یا اینکه من مقصر دولت و ملت هستم که یک نفر صدا بصدای من نمی رساند ، رنگ از رویشان بریده دست بهم مالیده اشک در چشمشان حلقه زد

(محمد جعفر مخترع توب مسلسل)

کنفرانس صلح لاهی و دولت

● علیه ایران ●

اگر ما میخواهیم از روی نوشتجات و مطابق اوراقی که با داره رسیده تمامی ما وقع کنفرانس صلح لاهی را نگاشته ، و بتوضیحات لازمه آنها پردازیم ، چند جلد کتاب مخصوص خواهد شد اینک محض اینکه مطالعه کنندگان محترم از کثرت کار در این کنفرانس نمونه در دست داشته باشند اجمالاً از تفصیلی که در آن باب در روزنامه مخصوص کنفرانس بتاریخ هیجدهم ماه سپتمبر (۱۹۰۷) نوشته شمه را ترجمه میکنم

روزنامه مزبور می نویسد که حرکت آوردن این ماشین بزرگ که اسم آن را کنفرانس گذاشته اند نباید از چیزهای آسان دانست ، برای ترتیب مذاکرات و قوانین که در این کنفرانس ایجاد و یا اصلاح شده اند چند جلد کتاب لازم خواهد شد ، و حال آنکه مذاکرات و قوانین کنفرانس اول تنها در یک جلد کتاب چاپ و منتشر شده است

از روزی که کنفرانس شروع شده تا حال که هنوز تمام نگاشته تقریباً هشتاد هزار بسته اوراق بمأمورین دول خارج در کنفرانس توضیح شده و حروفات سری که تا بحال در چاپ خانه کنفرانس

استعمال شده تقریباً بیست هزار کیلو یعنی تقریباً پنجاه خروار شده ، و گمانی که بواسطه آن خسروانات سری چاپ کرده اند هشت میلیون شده است ، سیصد و بیست هزار ورقه بزرگ که عبارت از هزار و دویست چهل بسته باشد کاغذ بزرگ ورق تا حال در این چاپ خانه صرف شده ، و وزن این کاغذها تخمیناً هفده هزار کیلو یعنی تقریباً چهل خروار است ، اگر این کاغذها را روی هم بطور ستون بگذارند يك صد و هشتاد و چهار متر بلندی آنها میشود یعنی به بلندی منارهای بسیار مرتفع فرنگ ،

از همین تفصیل معلوم میشود که چه قدر اوراق و نوشتجات در کنفرانس رد و بدل میشود ، و برای اینکه کسی بتواند از روی قاعده بيك مسئله از مسائلی که در کنفرانس مطرح مذاکراتست فقط بلی یا خیر بگوید جقدر باید از این اوراقها را برای دادن رأی خود بدقت مطالعه کرده باشد

در روزنامه های هولند دیده شد ~~که~~ جناب ممتاز السلطنه نماینده اول ایران از کثرت خواندن و مطالعه اوراق راجعه بکنفرانس گرفتار درد چشم شده خداوند انشاء الله اینگونه وجودها را در مات ما زیاد فرماید

مقصود این است که ابدأ ممکن نیست که تمامی ما وقع کنفرانس را من البد و الی الختم بنویسیم ، بجهت اینکه برای دو سطر قانون راجع بفتح و یا جنگ کتابچه مفصلی نوشته شده ، و اگر ما بخواهیم توضیحاتی را که در آن کتابچه ها نوشته میشود ترجمه بکنیم هر کتابچه کتابچه دیگر لازم می آید ، این است که اجالا پاره مطالب را ~~که~~ بیشتر مفید حال عمومی است می نویسیم ، و قوانین را که فواید مخصوص بحال ایران دارد بتم می آوریم ، و انشاء الله در آخر کنفرانس هم راپورتی که مشتمل تمامی کارهای این انجمن عالی باشد نوشته ، برای اطلاع مطالعه کنندگان مندرج خواهیم ~~کرد~~ ، کسانیکه از کم و کیف تشکیل این کنفرانس و کنفرانس سابق از ابتدای کار با خبرند میدانند که پولتیک دول در این مدت هشت سال جقدر تفاوت کرده ، آنچه در میان آنها طالب اسلحه بود حالا مانع این مسئله گشته ، و آنکه در کنفرانس اول زیر بار

ترك اسلحه نپذیرفت بر حسب پولتیک امروزی خود طالب تحدید آن شده ، دولت روس که آنوقت از هر جهت خود را مسلح و آماده می بنداشت اینك دوجار طرفان جنگ اقصای مشرق شده و محتاج کشتی ها و اسلحه جدید گشته است ، در کنفرانس اول دولت روس بود که تکلیف ترك اسلحه نمود ، برعکس در این کنفرانس دولت انگلیس از عسارت ترسوال فراغت حاصل کرده ، اینك تکلیف ترك اسلحه مینماید ، از همین يك مسئله معلوم است که تا چه اندازه افکار و خیالات و پولتیک دول در حالت تغییر است ، و تا چه درجه هرکس باید در تحسین خود شده ، فریخته مقتضیات پولتیک سریع التبیر دول نشود

همینکه دعوت نامه کنفرانس حالیه بدول رسید با کمال قوت هیئت وزرای حالیه انگلیس براسیسه استحکام خود ملت انگلیس وعده داد که ترك اسلحه را بکنفرانس صالح تکلیف نماید ، ولی فوراً درباره دول و مال آلمان و روس وغیره عدم پیشرفت این مقصود را پیش نهاد نموده و گفتند که داخل این قبیل مذاکرات نخواهند شد ، دولت انگلیس هم هر سه را بخود تنگ دیده از طرف دیگر چون خواست ترضیه بملت انگلیسیه داده باشد ، بامورین خود در کنفرانس دستور العمل داد که مسئله ترك اسلحه را بيك شکلی مطرح گفتگو نمایند ، ولی چون دولیکه برخلاف این مسئله بودند از اول از سوال و جواب این مسئله اظهار امتنان کرده و می گفتند که هنوز موقع آن کار نرسیده لهذا طرفین قناعت بر این نمودند و جناب (ادوار فرای) نماینده اول انگلیس در مجلس هفدهم ماه اوت ~~که~~ کنفرانس نطقی مبنی بر خسارت های کلی اسلحه دول که روز بروز زیاد تر میشود نموده ، و محسنت ترك و یا تحدید آن را بیان کرده و گفت ، که چون اعضای کنفرانس اول متفقاً لزوم (بعد از اینکه نتوانستند مسئله ترك اسلحه را از پیش ببرند) فرام آوردهن اسباب تحدید اسلحه را بدول خودشان توصیه ~~کردند~~ کرده بودند حالاً هم باین کنفرانس تکلیف میکنم ، که متفق الرأی شده همه ما با صدای بلند بگوئیم که خیلی لازم است که دول مختلفه مجدداً این مسئله را مطرح گفتگو کرده ، و تحدید

آن را جداً توصیه بکنم

معلوم است بطوریکه قبل از وقت میان تمام مأمورین قرار شده بود همگی نحسین خنک خالی باین حرفهای خوب بگردند، و بقول يك نفر شخص با سیاست اینك مسئله تجدید اسلحه را تا چندی دفن نمودند.

چیزی که در مقابل دفن مسئله ترك اسلحه طایه امیدواری بود این است که این کنفرانس بر حسب اقدامات مأمورین با سیاست و مال اندیش خود قرار داده که من بعد کنفرانس های آتی به طرف و بمیل هموم دول علی السویه باشد، بعبارت آخری دیگر لازم نباشد که امپراطور روس و یا پادشاه دیگری تشکیل آن را تکلیف نماید، و لابد کنفرانس هم مأمور آلت دولت را رئیس مجلس خود قرار بدهد و مذاکرات کنفرانس بسته به پروگرام و در تحت نفوذ آن دولت باشد.

از قراریکه در روزنامه ها دیده میشود کنفرانس معدودی از مأمورین محترم را در مجلس خصوصی جمع کرده که لایحه توصیه نامه را در این باب نوشته و به تصدیق کنفرانس رسانند، در این مجلس خصوصی از جمله حصار یکی جناب ممتاز السلطنه نمایندگ اول ایران بوده، و این توصیه نامه که تصدیق کنفرانس رسیده و گذشت از این قرار است که ما به ترجه آن میپردازیم کنفرانس به تمام دول توصیه میکند، که در خیال تشکیل کنفرانس ثالث صاحب که تخمیناً فاصله کنفرانس دوم با اندازه فاصله کنفرانس حالیه از کنفرانس اول بوده باشد (هفت سال) بشوند، و تاریخ تشکیل آنرا میان خودشان معین نمایند، و آنها را متوجه میکنند به اینکه لازم است در مسائلی که در کنفرانس ثالث باید مطرح مذاکره بشوند قبل از وقت تحقیقات بمعینه آورده، بطوری اسباب فراهم بکنند که مطابق مزبوره به ترتیب و سرعت لازمه مباحثه و انجام داده شوند. برای تحصیل این مقصود عنیده این کنفرانس این است که تقریباً دو سال قبل از وقوع کنفرانس ثالث يك نسیون کوچکی از طرف دول مأمور رایحه جمع کردن تکالیف مختلفه که باید بکنفرانس ثالث ابلاغ شوند شود، و برای جستن مسائلی که می توانند در

کنفرانس آینده جزو قوانین بین الدول بشوند و ترتیب پروگرام کارهای آلت کنفرانس بشکلی تهیه باشد که قبل از وقت دول خارجه بتوانند با دقت آن پروگرام را دیده و حاضر برگفتگوی آن بشوند، علاوه بر اینها باین کمیسیون مأموریت داده شود که ترتیب جریان کارهای کنفرانس آتی را هم داده و لایحه در آن باب بکنفرانس تقدیم نماید، از این توصیه که کنفرانس حالیه بدول میکنند میشود که بوشنجات روزنامه های فرنگ بی مأخذ نیستند، چون مدتی است در مطبوعات فرنگستان می نویسند که علت طول زمان کنفرانس این است که دولت روس دول خارجه را قبل از تهیه پروگرام صاحب و ترتیب امور کنفرانس دعوت بآن کرد و مأمورین خارجه بعد از ورود بلاهی دیدند که ابدأ چیزی تهیه نشده، و آنچه را که میبایستی قبل از وقت حاضر نمایند بعد از مدتی زحمت خودشان تهیه کرده و فراهم آوردند.

در غمراهی های قبل مسئله ایجاد محکمه عالیة بین الدول دائمی توقیفات ایام جنگ را مسملاً نگاشته ایم و مطالعه کنندگان با ادله و براهین دیده اند که جناب ممتاز السلطنه نماینده اول ایران در این کنفرانس حالیه چه خدمات بزرگ بدولت و ملت ایران بعمل آورده، و مخصوصاً در عمل همین مسئله حکمیت شرکت دولت عالییه را بعد از دو ماه زحمت باوجود عدم قوای بحری باکال و سمت تحصیل نموده است.

از خبرهایی که اخیراً کنفرانس معلوم میشود که پروتست مأمورین عثماني در قات حق خودشان بجائی رسیده است و کنفرانس در مجلس عانی بیستم ماه ستامبر لایحه را که در آن باب از طرف کمیسیون اول ابلاغ شده بود تا کثرت آراء قبول کرده، و اینك این مسئله بکلی انجام پذیرفته است، در همین مجلس عانی ممتاز السلطنه نطق مفصلی کرده و محل تمجید شده است بعلم اینکه اظهارات ایشان موافق حقوق بین الدول و مطابق میل اغلب از حضار بوده است و اینك ترجه آنرا ذیلاً مینگاریم

ترجه نطق جناب ممتاز السلطنه

در همان ابتدای گفتگوی لایحه ایجاد محکمه عالیة توقیفات ایام جنگ سفارت دولت امپراطوری ایران بدون هیچ تردیدی محسوسات مساعده دولت متبوعه

خود را بتأسیس این بنای عالی در مجلس یازدهم ژوئیه کیسیون اول بیان کرده است

در مجلس دهم سیتا رهاگت کیسیون چون در این اب منتظر دستور العمل های جدید از طرف دولت عالی بودم رأی خود را در باب لایحه قرار امده این محکمه بموقع دیگر موکول کرده ، و مخصوصاً گفتم که بطور خیلی مساعد شرکت در این قرار نامه را بدوات متبوعه خودم جداً توصیه کرده ام

امروز با کمال خوش بختی میتوانم رأی مساعد خود را به لایحه مزبوره باستنادی فصل یازدهم بدوم ما کاملاً میدانم که بناسیه این محکمه بین الدول توقیفات ایام جنگ در یکی از مواد خیلی مشکل حقوق بین الدول اسباب ترقی وحد و حصر است ، بی محکمه های ملی توقیفات ایام جنگ را که دول برای محاکمه اعمال خودشان تشکیل میدهند حکوم تقذیش و طرفه محکمه عالیة بین الدول نم ، دوش ضمانت فیسیة عدالت و انصاف است از برای عموم ملل ، ولی باوجود اینها تکلیف خودم میدانم که این نکته را نیز خاطر نشان کنفرانس بکم که ماده اورا بکلی از ماده تکالیف جدید که راجع تأسیس محکمه دائمی بین الدول (که مخصوص محاکمه دعاوی و منازعات حقوقی که می تواند فیابین دول بروز نمایند خواهد شد) بکنفرانس ابلاغ شده اند سوا و جدا می دایم ، و شرکت ما باین محکمه توقیفات نباید نه حالا و نه در آتی و وجهاً من لوجوه مخالف رای ما در باب محکمه حکمیت عالیة بشود ، و آن عقیده ما این است که در محکمه حکمیت تمام دول باید بکلی فیابین خودشان مساوات نامه داشته باشند

روز نامه های هولند در باب این نطق ممتاز السلطنه می نویسند که نماینده اول ایران بعد از آنکه شرکت وسیع از برای دولت خود در محکمه توقیفات جنگ تحصیل نمود در مجلس گذشته کنفرانس در نطق خود ثابت کرد که ملت ایران خیالات عالیة در ترفیفات آتی خود دارند (مقصود این نوشته روز نامجات هولند این است که بطوریکه در نمره های قبل هم نوشته ایم حق و حصه که در این محکمه از برای دولت ایران تحصیل شده است نسبت بقوه بحریه ایران

و سایر دول چندین مرتبه بالا تر از حقوق دیگران است ، لهذا منتظر نبودند که نماینده ایران با وجود همه اینها باز عال اندیشی کرده شرطی در تصدیق خود خواهد نمود ، و مقصود از آن شرط فصل ۱۵ قرار نامه است که بر حسب آن اگر بعد از مدتی عمل کشتی رانی و قوه بحری ایران ترقی زیاد نمود میتوان بموجب همین شرط قیدی در حصول یازدهم قرار نامه ممتاز السلطنه کرده است دولت ایران حق بالا تر هم تحصیل نماید)

هر صورت این عمل حالا بکلی گذشته و این خدمت را هم جز و خدمات دیگر خود در این کنفرانس ممتاز السلطنه بدیگران سرهشقی داد در ضمن بن نطق مساعد خود در باب تأسیس محکمه بین الدول توقیفات بطوریکه ملاحظه شده ممتاز السلطنه باز بطور یابقی در کنفرانس خاطر نشان کرده است

که این مساعدت ایشان در این مسئله فقط بری این است که شرکت عموم دول در محکمه بین الدول حکمیت لاهی باید از روی مساوات باشد

نطق غرای جناب ممتاز السلطنه را سابق در بن باب ترجمه کرده و نوشته ایم ، مطالعه کنندگان دیدند که اگر در هر جا و موقع نمایندگان ایران این طورها ایستادگی و پروتست بکنند فرضاً هم مثل جناب ممتاز السلطنه مقصود خودشان موفق نباشند ، افلا طرف مقابل شن بالاخره حیا خواهد نمود ، بطوریکه اگر در همین معاهده دولین روس و انگلیس که نامم راجع بایران کردند ، اگر دولت ایران پروتست نمیکرد و راضی بر آن نمی شد کم کم دول خارجه در مسائلی که راجع ماوران است بنی معاهده بندی نمایند مال این کار معلوم است ، حال که پروتست شده اگر هم این دفعه اثری نه بخشد افلا دولت ایران تصدیق نکرده می تواند عندالاقضاء بر خلاف آن رفتار نماید ، ثاباً همین که يك دفعه پروتست شد دیگر تواتر در معاهده میشود ، بعبارت اخری در نظر سیاسیون و دول خارجه عدم پروتست مقام تصدیق را دارد و تصدیق را نتیجه معین است ،

باری خوب است سرمطلب رویم سابق نوشته ایم که جور تکلیف دول آلمان و آمریکا و انگلیس در باب نسیم فضات محکمه بین الدول دائمی حکمیت خارج از مساوات

بین الدول بود ، و اگر بدرجه قبول میرسید دولت علیه و بعضی دول دیگر را صدمه معنوی داشت ، لهذا نماینده اول ایران نطق های عیدیه در آن باب کرده و جوی را با خود برای موقوفی لایحه مزبوره همراه نموده بود و ما مژده داده بودیم که عنقریب این مسئله را مأمورین با غیرت هم خواهند زد ، گویا جناب ممتازالسلطنه در انجام این مسئله بمقصود خود رسیده است

روزنامه (اندیاندانس باژ) بیست دوم ستامبر در ضمن راپورت کنفرانس لاهی مژده نزدیک شدن موقوفی همان لایحه دول معظمه را مشروحاً می نویسد (دولت باژیک هم بر خلاف آنست) و ما عیناً به ترجمه آن می پردازیم

تقریباً یکماه قبل بر این بود که در بیست چهارم ماه اوت گذشته در مجلس چهارم اداره امتحانیه (ب) کیسیون اول (آقندر کیسیون و کیسیون جز و در کنفرانس هست که نمیشود سر در آورد) ممتازالسلطنه نماینده اول ایران در ضمن نطق که زور آن بلیاتش همسری می کرد بر ضد این مسئله که بعقیده ما تا یک درجه حالا هم می خورد برونست کرد ، وعدم مساعدت خود را بر لایحه برونست نوبت قضات دولیکه امروز در عالم بولتیک چندان نفوذ ندارند اعلان کرد - (ای ایرانیان با غیرت ، دولت بی نفوذ دولت شما را هم می گویند ، آخر طواب تا کی ، اگر در کنفرانس حالیه کسی مثل سابقین مأمور ایران بود هیچ مبدانید که دولت ایران را باوضع حالیه آن چه مقامی میدادند ؟ آنچه ما می نویسیم از روی اسناد و اوراقی است که در دست داریم و آنچه مشاهده می شود

از روی ادله و براهین است ، نماینده اول ایران گفته است که با کمال میل در تمامی تکالیفی که واجب بحکیمیت است همراهی کرده و مسئله حکیمیت را بسیار لازم و محبوب القلوب میداند ، ولی تکلیف خودش میداند که در مسئله نوبت قضات دول از طرف ایران برونست بکند ، چرا که دواقی که چندین هزار سال وجود مستغله داشته و یکی از معاون بزرگ تربیت دده و بیست مایون نفوس دارد و هنر و ادیبانش معروف عالمست ، همچون دولتی لایق احترام و مستحق مقام عالی تر از آنها است

روزنامه مزبور بعد از تعریف این مسئله می نویسد که نماینده اول ایران خوش بختانه بهم قطاران خود یاد آوری نموده و گفته است که ما برای اجرای زور حق به لاهی آمده ایم نه برای اثبات حق زور

هر صورت ، آنچه در شماره های قبل اسباب نگرانی شده بود اینک براریکه روزنامهجات بزرگ فرنگ می نویسند در هلاکت است ، و انشاء الله عنقریب مژده دفن لایحه مزبوره را بمطالع کفنده گان محترم خواهیم داد

سابق گفته ایم که در کنفرانس چهارم کیسیون و چندین کیسیون جزو بوده اند ، کیسیون های جزو هم بعلت زیادی تعداد اجزای خود (خوب است که این ترتیب را در مجلس طهران هم مرعی بدانند) بطوریکه رسم است مطالب مهمه و تحقیقات لازمه را از برای ترتیب و انشاء قوانین جدیده اداره های عیدیه که آنها را کومتیه امتحانیه می گویند فرستاده بود ، این کومتیه ها فقط مرکب از ده دوازده نفر مأمورین با علم و اطلاع هستند ، که هر کیسیون دز میان اعضای خود منتخب و مأمور بانجام این خدمت کرده است جناب ممتازالسلطنه در دو کومتیه امتحانیه عضویت داشتند و این دو کیسیون اینک خدمات محوله خود را تمام کرده و بامضای اعضای خود راپورت خوبشرا بکیسیون ابلاغ کرده است

بعد از تصدیق کیسیون اینک از قرار خبر های اخیر کنفرانس در مجلس عالی آن راپورتها مطالعه شده ، و تمامی قوانین جدیده که در آن نوشته و برقرار کرده بودند بعد از دو ماه زحمت بتصدیق کنفرانس رسیده و جزو حقوق بین الدول شده است

سه عدد کتابچه راپورت کومتیه مزبوره را که متضمن باره قواعد جدیده میباشد و بامضای جناب ممتازالسلطنه و سایر اعضای آن چاپ شده است تحصیل نموده ایم اگر بخواهیم به ترجمه همه آنها پردازیم خیلی مفصل میشود ، اینک فصول قوانین جدیده را که خیلی مفید بحال ایران هم هستند اجمالاً بکاریم

ترجمه از کتابچه اول

لایحه قرار و مدار واجبه بحقوق و تکالیف دول بی طرف در خشکی در موقع جنگ